

ارگان دانشجویی

اتحاد
مبارزه
پروزی

۱۶ آذر

قیمت ۲۰ ریال

سال اول، شماره ۸، نیمه دوم اسفند ۵۸

تداوم انقلاب در سالی که گذشت

- بنی صدر در آینه جادوی افقای پیشگام
 - برخورد نیروهای دانشجویی با مسئله سرکوب خلق ترکمن
 - طرح استقلال دانشگاهها، قوانین گذشته در پوششی نو!
 - مروری بر جنبش کارگم آن بیکار
- ... ۹ •



مرکز برآمده با ایسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

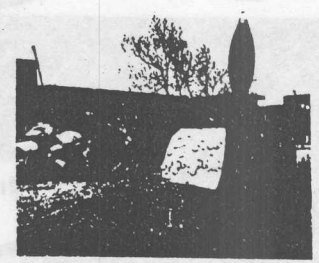
تداوم انقلاب

دو سالی که گذشت

بسم الله نورادر شرایطی آغاز می کنیم که هنوز پس ار گذشت یکسال و اندی از قیام هر روز گوشه ای از - محنت میهنمان به خون شهیدان راه آزادی و استقلال ل مین کلگون می شود.

در این یکسال چه بسیار مادرانی که در غم از دست دادن فرزندان شان به عزا نشنند و چه بسیار خانواده هایی که نان آوران شان با کلوله، سلا - های آمریکائی و اسرائیلی شهادت را پذیرا - کنند. در این یکسال باز و زحم هم چون سال - سس از آن در نبرد خلق و ضد خلق چه بسیار حماسه ها - که آفریده شد و امواج خروشان انقلاب همچنان در - سر پهنای ایران به پیش تاخت .

آری درخت تنومند انقلاب با خون دلاوران خلق کرد و سادان زحمتکش انزلی و دهقانان ترکمن آبیاری - شد و روز بروز سر فرا تر از پیش بر بر می کشد و چه - سا و درختی !



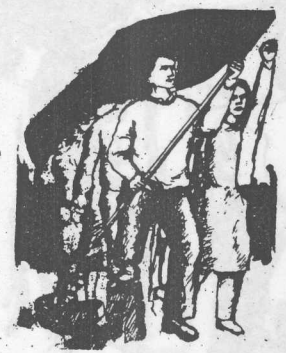
مبارزه ، طبقاتی و پیرانیک روزانه توده ها در این مدت چه بسیار مطالب که به آنها تاخت - مود ه ها که به علت توهماشان طومارهای میلیو - سی به ناء بید قظ زاده امما می کردند، آنها - که شته پشت درخبا ننها به حمایت از باز رکان - محب و زبر محبوب ملت (!) را هیما می کرده و شعار می دادند، آنها که چه آسان می توانستند آلت دست مرتجعین کوردل بر علیه نیروهای انقلاب - گردید و ... حد زودیه ماهیت واقعی خائنن پی - برید . اگر فردرستندان حدیدادعا می کردند که - فقط ۵٪ از بوده های میهنمان برخلاف آنان - بشردار بوده صف های عظیم پشت صندوق های رای - با بید خود می باز بند کارشان به جانی رسیده - که همین صندوق ها را از ترس رفتن توده ها به - سای آن و اعلام نظرشان حتی به شیوه مورد پسند - رژیم می رسانند و آشکارا به دلائل موهمی از بر - نگرانی هسان انتخابات نیز اجتناب می نمایند . اگر - ارا عما یات کارگران کارخانه ها در اوایل سال - گذشته به بهانه ، فتوای امام مبنی بر عدم کم - کاری و ... و بابها نه ، اخلاص و خرابکاری جلوگیری - می کردند، ما می بینیم که در آخرین روزهای - حباب - س سال جنس کارگری در یکی از برخورد -

در هیئت حاکمه را تشکیل می دهد، سرکوب جنبش خلق و مقابله با مبارزات توده ها بر علیه نظام سرمایه داری وابسته عملکرد سیاست کل رژیم



را تشکیل می داد و ملی مبارزات توده ها در پائین - بالایش را بیش از پیش به جان هم انداخته - است . رژیم که از عهد حل بخران عظیمی که - دامن گیر نظام گردیده نمی باشدگاه به سرکوب - توسل می جوید و زمانی در مقابل دوزخ جنبش - توده عقب نشینی می نماید و مجبور به دادن امتیاز - می گردد. ولی از آنجا که از پاسخ به خواست - توده ها عاجز و ناتوان است این عقب نشینی ها - و فرم ها خود موج تهاجمی تری از جنبش خلق را بر - می انگیزد .

اگر روزهای آغاز سال گذشته، کردستان و بدنبال آن ترکمن صحرا از خون دلاوران و زحمتکشان میهنما - کلگون گشت سال را در زمانی به پایان می بریم - که خانه و کاشانه دهقانان ترکمن با توپ و تانک - های رژیم جمهوری اسلامی ویران گشت و بار دیگر - دشت ترکمن با خون جوانانش کلگون گردید . برای



بیروزی در شبرد میان خلق و ضد خلق این جانبازیها را گریزی نیست ولی با این امید که این خونها - پشتوانه فردای نویی برای زحمتکشان میهنمان - باشد که توده ها بدست خود بنای جامعه ای مستقل - رایجی ریزی نمایند که در آن از استعمار و فقه - وستم بیوشی نباشد و استعما را میرا لیستی خون - زحمتکشان را برای رشد انگل و ار خود مورد استفاده - قرار ندهد به پیش و سال نو ، سال گسترش و تداوم مبارزات توده ها ، سال - فرو رفتن هر چه بیشتر توحات توده ها و سال ... ی شتابیم .



در معرض قضاوت توده ها قرار می گرفت ولی باز - سی نظام و کوشش در جهت حفظ مناسبات سرمایه - داری وابسته عامل وحدت همه ، جناحهای موجود

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

را از شرکت در انتخابات محروم می سازد... آری، بنسبی صدر را اینهمه اعمال خدقلی انجام می دهد و آشکارا در مقابل توده ها می ایستد و آنوقت رفقای پیشگام می نویسند:

" رئیس جمهوری وقت که خدا انقلاب به سرکوب خدا انقلاب برمی خیزد یا بیدار می شود انقلاب یعنی بورژوازی وابسته شود یا بایدارای مخالفت خود را مخفیانه درجیب رئیس مفا خدا انقلاب قرار دهد."

بدین ترتیب رفقای پیشگام آشکارا شخصی ریاست جمهوری را که سه پست مهم و کلیدی " ریاست جمهوری"، " ریاست شورای انقلاب"، " فرماندهی کل قوا" را در هیئت حاکمه و دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی عهده دار است، از صف خدا انقلاب مبری کرده و ما وراء آن قرار می دهند. لذا علیرغم ادعای مبارزه با لیبرالها، به آنها با داده آب تظہیر بر روی آنها می ریزند. زیرا طبق تحلیل رفقای فدائی جناح خرده بورژوازی - مرفه سنتی از هیئت حاکمه هنوز هم خدا مریبا - لیست است و وقتی بنی صدر را هم خرده بورژوا به حساب می آورند آنوقت بنی صدر هم خدا مریبا لیست از آب درمی آید (!) و تکلیف ما روشن می شود: باید برای نجات انقلاب از آقای بنی صدر از رئیس شورای خدا انقلاب و از فرمانده کل قوا در مقابل جناحهای خدا انقلابی هیئت حاکمه و در مقابل امیرالایسم حمایت کنیم! رفقای بنی صدر را نه تنها جزو سرکوبگران خدا انقلاب (یعنی ضد انقلاب) بحساب نمی آورند بلکه از وی بعنوان کسی که مخالف سرکوب است اما بنا به شرایط و به ناکزیر " مخفیانه راه مخالفت" خود را با امر سرکوب توده ها " درجیب رئیس مفا خدا

بلافاصله پس از گزینش ریاست جمهوری مرا حسی کامل یافته و تا کنون جریان داشته است و برخی از آنها را که رفقای پیشگام فهرست کرده اند ذکر کردیم همگی دال بر خط مشی کا ملا " بورژوازی بنی مدرو تلافی در جهت تثبیت حاکمیت بورژوازی (و ضرورتا سرمایه داری وابسته در ایران) - می باشند. اما رفقای پیشگام با اشاره مختصری به این کارنامه " برافتخار رئیس جمهور که به تهر و گویا ترا زهر سندی ماهیت طبقاتی بورژوازی وی را آشکار می سازد به این نتیجه می رسند که: " بله آقای رئیس جمهور گناهی ندارد. یک روشنفکر ایده آلیست که در خارج نشسته است و فقط کتاب خوانده تا انقلاب را به پیش برد چگونه ممکن است دگمهای ذهنی- اش بشکند..."

این است مهمترین شیوه " تحلیل طبقاتی (!) در اینجا بایدا از رفقای پیشگام پرسید آیا این " دگمهای ذهنی" که رئیس جمهور در موارد فوق الذکر به نمایش گذاشته است مگر چیزی جز همان برنامه خط مشی بورژوازی و مورد حمایت بورژوا - لیبرالها بوده است؟ پس منظور رفقای " روشنفکر ایده آلیست" که حامل چنین دگمهایی است چیست؟ اگر منظور از این مقوله همان روشنفکر بورژوازی است (ادامه " مقاله خلاف ایمن برداشت را ثابت می کند) پس چرا صراحتا " آنرا مطرح نمی کنند و در لاف ها و مغایریم غیر طبقاتی نظیر " روشنفکر ایده آلیست " بنی صدر را توصیف می کنند؟ آیا این شیوه " برخورد ارمیتوان شیوه مارکسیست - لنینیستی نامید؟ اتفاقا تحلیل خود رفقا در اینجا کا ملا " ایده آلیستی" است زیرا آنها هرگز از روی واقعیت حرکت نکرده اند. گزینی چشم های خود را بر روی اعمال خیانتکارانه

انجویان پیشگام در شماره ۳ " نبرد دانشجو" مقاله ای نگاشته اند تحت عنوان " کارنامه آقای بنی صدر". ارزیابی رفقای پیشگام از بنی صدر به شیوه ای غیر طبقاتی صورت گرفته است و بطور فاحشی از ماهیت واقعی وی فاصله دارد که در واقع امرا حاکمی از توهم رفقا نسبت به پایگاه طبقاتی رئیس جمهوری باشد. از این جهت ضروری دانستیم که بطور اجمال موضع نادرست دانشجو - یان پیشگام را در مورد بنی مدرو جهت گیری طبقاتی وی بررسی نمائیم.

مقاله " مزبور ابتدا شمه ای از موقعیت بنی - صدر را قبل از حراست ریاست جمهوری تصویر می کنند. در این مورد رفقای نویسنده مقاله هیچ صحبتی از پایگاه و موضع طبقاتی بنی صدر که بخوبی از لایلهی سخنرانی ها، مقالات و موضع گیری های وی در مقابل جناحهای مختلف قدرت حاکمه و مسائل گوناگون جامعه (از قبیل مجلس خبرگان، ولایت فقیه و...) قابل تشخیص است به میان نمی آورند، اما هنگامیکه به بررسی حرکت و سمت گیری رئیس جمهوری از انتخاب شدن و بدست گرفتن قدرت می پردازند، رفقا نتایج کا ملا " نادرست و توهم آمیزی را در مورد ماهیت طبقاتی، اهداف و برنامه های بنی مدرو بدست می دهند.

دانشجویان پیشگام به غرضهای بنی صدر را پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری در دو حوزه " سیاست" و " اقتصاد" مورد ارزیابی قرار می دهند. در زمینه سیاست در مقاله بکسری موضع گیری بها و عملکرد های پی در پی بنی مدرو ردیف شده است که تماما " حاکمی از برنامه و سیاست جهت دار بورژوازی این بورژوازی نیرنگ با زو فریبکاری می باشد.

ارزیابی رفقای پیشگام از بنی صدر به شیوه ای غیر طبقاتی صورت گرفته است و بطور فاحشی از ماهیت واقعی وی نامد دارد.

بنی صدر در آینه جادوی رفقای پیشگام

انقلاب " قرار می دهد، نام می برند، عجیب! پس آنهمه عریه تهدید و ارباب و دم از قاطعیت زدن و تکیه بر خلع سلاح انقلابیون و خلقها تا شید صریح اعدام چهار شهید در زندان ترکمن و تجزیه طلب خواندن خلق کرد (یعنی مجاز شمردن و فراموشی آو ردن زمینه سرکوب آنها) و غیره کجا رفت که حالا آقای بنی مدرو مخالف سرکوب مفا انقلاب از آب درآمد!

سپس رفقای پیشگام که قضاوت خود را با واقعیت و عملکرد بنی مدرو در تاقض می یابند با احتیاط و - آنچنان که خدشه ای به نوع ارزیابی آنها از حکومت وارد دنیا پیدا می دهند:

" اگرچه ما اکنون در نهایت خوش بینی ایشان را روشنفکر ایده آلیست لقب داده ایم اما چنانچه اینگونه که در پیش گرفته ادامه دهد، اولین روشنفکر ایده آلیست در تاریخ نخواهد بود که به مفا خدا انقلاب می پیوندند..."

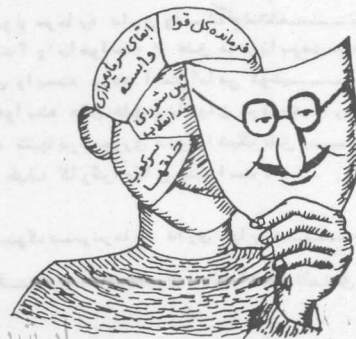
یعنی رفقا خود بطور ضمنی تأیید می کنند که راهی را که بنی صدر " خرده بورژوا" (طبق گفته صریح خود رفقا) می پیماید راه خدا انقلاب و راه بورژوا - زی است اما هنوز پوینده " این راه را جزو صف خدا انقلاب به حساب نمی آورند و دلسوزانه به وی هدایت می دهند که اگر این راه را ادامه دهد بالاخره همچون بسیاری از روشنفکران ایده آلیست

و خدا انقلابی این " روشنفکر ایده آلیست" بسته اند.

بنی مدرو در مقابل ملاء له خلقها، در قبال حرکات انقلابی پرسنل مبارز ارتش و... دم از " تسلیم زور نشدن" و " قاطعیت" کامل داشتن می زند و در کنار تقاب دموکرات نمایی خود مرتباً " تهدید و ارباب می کند و بطور مو، دبا نه و اغلب بطور صریح وعده " سرکوب توده ها و انقلاب را می دهد. در اولین روزهای ریاست جمهوری این مهره جدید هیئت حاکمه، خلق دلاور ترکمن و دهقانان زحمتکش آن دیار به آتش مسلسل، توپ و خمپاره بسته می شوند و به خاک و خون در می غلطند و بنی مدرو خائن تازه صحبت از " در صد قاطعیت بکار رفته خود می کند! در مقابل تلویزیونی بهیرمانه ملاء له " خلق سلاح خلقها و نیروهای انقلابی را مستمک برای کوبیدن نیروهای انقلاب بی قرار می دهد و در جزو خاوانی می کند در حالیکه فرمانده آمریکا بی ارتش خدقلی به عنوان شاهد و ما ن اجرای تهدیدهای رئیس جمهور را نیز در کنار خود نشانده است. پرسنل انقلابی ارتش را که در دانشگاه متحمن شده اند و به سیستم خدقلی حاکم بر ارتش و حاکمیت مطلق فرماندهان آمریکا می معترفند تهدید به اخراج می کند. بنی مدرو نه و با کمال قاطعیت (!) خلق قهرمان کرد را تجزیه طلب می خواند و بدون کوچکترین دلیلی به بهانه " نا آرامی منطقه مردم سنج

اما در این رابطه هیچ ارزیابی طبقاتی صورت نگرفته است. از آن جمله است مواضع و اقدامات بنی مدرو موارد: آزادی گروگانهای آمریکایی و استرداد شاه خائن، فراخواندن کنگره اسلامی، تهدید پرسنل انقلابی متحمن در دانشگاه، خود - مختاری خلق کرد، وقایع و جنگ افروزیهای هیئت حاکمه در گنبد، ماجرای افشاکری در بشاره میناچی و دستور آزادی بلافاصله وی از جانب ریاست جمهوری...

اقدامات بنی مدرو جهت گیری های وی که



ارسال شده است به نام بنی صدر در راه آزادی

در تاریخ " به صف ضدانقلاب خواه دیپلومات " در قسمت دوم مقاله دانشجویان پیشگام عملکرد و جهت گیری رئیس جمهور را در حوزه " اقتصاد " مورد بررسی قرار می دهند، در این بخش پس از آوردن نقل قولهایی از مقاله بنی صدر که در روزنامه " انقلاب اسلامی " چاپ شده است، نتوانن تفسیری از تهرات عوامفریبانه رئیس جمهوری نمایند که گویی نویسنده مقاله " شخص رئیس جمهور نیست که برای فریب توده ها و توجیه سازشکاریها و اقدامات ضدانقلابی خود در جهت سرکمر باختن توده ها آه و ناله سرداده است، بلکه وی رایک روشنفکر خوش نیت که می خواهد اوقاف " مین خود را از وابستگی به امپریالیسم نجات بخشد قلمداد می نمایند. " مجبوریم یک قسمت از مقاله رفقا را عیناً " نقل کنیم زیرا در این قسمت ارزیابی روشن تر مقاله ز رئیس جمهور خوش نیت اما کجراهه مورد نظر رفقا شکام بوضوح بیان شده است :

”رئیس‌جمهور آرزویی‌کننده ایک‌اش
 این‌ها می‌بود، که صنعت نمی‌بود
 که در زمینه کشاورزی مالکیت زمین
 اینگونه نمی‌بود که دستگاه اداری
 اینگونه وجود نمی‌داشت. ولی
 انقلاب می‌بود و یک روش‌نگار ایده‌آلیست
 را از بارایی می‌آورد و دیر مستدیر با سنت
 جمهوری نشانند و ایشان می‌آمد و می‌ایستاد
 در سباهی که از انقلاب الجزایر مومس
 و دیگر کشورهای که برنامه‌های انقلاب
 بورژوا دموکراتیک در آن‌ها عملی‌بود
 و ایشان از کتاب‌ها آن‌ها را فرا گرفته است
 در اینجا پیاده می‌کرد. یعنی سبب
 آرامی صنعت را توسعه می‌داد، زمین‌ها
 را از فئودال‌ها می‌گرفت و به دهقانان
 می‌داد و غیره. انقلاب می‌بود ولی
 ساخت‌نظام سرمایه داری وابسته و در
 نتیجه نیروی عمده انقلاب نمی‌بود.
 عجب!

این آرزوها خاص یک خرده بورژوازی -
ایده آلیست است که می خواهد در کشوری
که سالهاست نظام سرمایه داری وابسته
بر آن ملغی شده است نقش بورژوازی ملی
را ایفا کند...") (تاکیدها از ماست)

آری بالاخره پس از آن همه مقدمه چینی رفقای
پیشگام حرف اول و آخر خود را بازمی گویند. آنها
بنی صدر بورژوا را یک روشنفکر خرده بورژوا توصیف
می کنند که با نیت پیغمبرگونه از خارج وارد ایران
شده است تا نظام سرمایه داری وابسته را به
سک انقلابیون الجزایری و یا مصری و... از میان
بردارد. رفقا وظیفه خود می دانند که بنی صدر
را به این حقیقت که خودش توانای فهمیدن
و درک آنرا ندارد! - آگاه کنند که: آقا
سرت به سنگ خواهد خورد، چنانمی فهمی که
دوران انقلابات بورژوازی نوع کهن در ایران به
سر رسیده است. ولایت بهتر بود برای حزب "خرده
بورژوازی" به سمت پرولتاریا بر نامه حداقل
خود را نیز به بنی صدر ارائه می دادند و هماهنگ
یکه مثلا" به مجاهدین خلق و یا... مکررا "توصیه
می کنیم به سمت بورژوازی و لیبرالیسم
بورژوازی نروند و چنانچه به طرف پرولتاریا
و کمونیستها بیایند به نفع آنهاست. منطقاً
به بنی صدر "خرده بورژوا" نیز این توصیه را
نمایند!

کارگر

توضیح بیست و نهم

المح الاستعداد احتياجي

توضیح: راسدناک

در "خرده بورژوا" نیز این

بنی
نما پن

سرمایه داری وابسته
آنگهی می دهد

آنها که هر روز دروازش مردم همچنان هیئت مدیره تعیین می کنند، جمع عمومی تشکیل می دهند، تغییرات موجود می آید و روند خلاصه به زندگی عادی و انگل و ار خود همچون زمان رژیم سابق ادامه می دهند، آنها چه چیزی می توانند باشند جزمو. سات سرمایه دارانی وابسته و یا مو ساتی که حمایت آنها تنها در سیستم سرمایه داری وابسته امکان پذیر است؟ آیا این نوشته های ریز پاشینی روزنامه ها به ما ثابت نمی کنند که سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به حیات خود ادامه می دهد و این حاکمان جدید نیز به ما خواهند داد می توانست به آن خاتمه دهند. آری، آیا توده های خلق در زیر یوغ سرمایه داری وابسته کم استعمار شده اند؟ و آیا خواسته خلق ما جزا نبودی سرمایه داری وابسته بوده است؟ ما می گوئیم تحقق خواسته های خلق و نابودی سرمایه داری وابسته تنها در جمهوری دموکراتیک خلق ————— رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است.

مرگ بر سرمایه داری وابسته است
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

راستی این آگهی های جورواجور که هر روز مقدار زیادی از صفحات روزنامه ها را اشغال می کنند چیست ؟

این شرکتها با اسهمای رنگ وارنگ فرنگی مثل دسمنیتا ، نوشادر ، ایرانوانیترادریل ... چیستند ؟

رفقای این تهمت نیست واقعیت است. نتیجه منطقی بهم پیوسته، مواضع انحرافی شما درقبال هیئت حاکمه و... که ریشه درگرایشات رویزیونیستی تان دارد به چنین احکام بدیع و غریب می رسد. پس باید ریشه را بیا بیدوایس تنها یک مورد است که در این مقاله تناقضات ذاتی مواضع انحرافی شما نمایان گشته است.

اما آخرین نکته مهم که نمی توان سرسری از گذشت این است که یارهای پیشگام ارچگونگی و ماهیت ضد استعماری و آزادیبخش انقلاب الجزایر اطلاع کافی ندارند (که بعدا است چنین باشد) و با اینکه واقعا "اقدامات بنی صدوراعوان و انصارش را در ایران هم طراز با اصلاحات عمیق اجتماعی و سیاسی و برنامه های ضد امپریالیستی پیاده شده در الجزایر تلفی می کنند. موضوع نقد و واضح اینست که احتیاجی به توضیح بیشتر نیست.

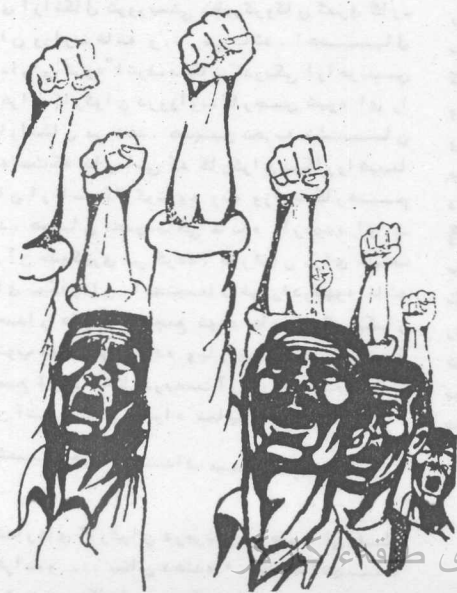
درسهای مبارزات توده‌ها

مروری بر جنبش کارگران بیکار

به خون کشیده می شود و نا صرتوفیقان به شهادت می رسد. تظاهرات کارگران بیکار رکما - نشاء توسط کمیته بهم ریخته می شود کارگران بیکار آبادان با تشکیل سندیکای کارگران پروژهای که ۱۴ هزار عضو ادبیری گرفت پیروزی بزرگی بدست می آورند. ولی مبارزات کارگران به دلیل عدم رهبری صحیح و سازماندهی خوب تنها به گرفتن وام ۷۵۰ تومانی از رژیم محدود می شود. اگرچه حیل های رژیم دردادن چنین وامی از سوی برخی از نمایندگان کارگران مطرح شد و آنها خواهان گرفتن حق بیمه بیکاری بودند ولی در جلسه ای که از نمایندگان کارگران شهر - های گوناگون تشکیل شد نمایندگان که برای این طرح با فشاری می نمودند در اقلیت قرار گرفتند. رژیم با دادن چنین وامی اولاً چنین وانمود کرد که این پول نه جزء نا چیزی از حق کارگرانی است که در هنگام کار کردن توسط سرمایه داران - از آنها ربوده می شود بلکه ناشی از لطف و کرم هیئت حاکمه می باشد.

همچنین آنها به این وسیله در حقوق کارگران تفرقه و پراکندگی افکنده و آنها را به صورت فردی رودر روی رژیم قرار می دادند. رژیم از سال ۲/۵ میلیون کارگر بیکار رتنباه ۱۲۰۰۰۰ نفر از آنها وام پرداخت. هیئت حاکمه پس از مدتی از بیکار بردن این حربه سرانجام از دادن همین وام نیز به کارگران خودداری نمود و از شهریور ماه به بعد در حالیکه بوم و گران روز بروز سیر روزافزونی می یافت کارگران از دریافت همین مبلغ نا چیز نیز محروم گردیدند. همچنین

بقیه در صفحه ۸



و فروش زمین و سرمایه گذاری در امور ساختمانی سود سرشاری نصیب زمینخواران و مقاطعه کاران می - کرد اما شا هدر روی آوری سرمایه داران این بخش بودیم و با لطمه همراه با آن بخش وسیعی از بیکاران و دهقانان رانده شده به سوی شهرها نیز جذب کار در این رشته گردیده بودند. سرنگونی بساط سلطنت و کندی نسبی سرمایه گذاری در این بخش بیکاری کارگران ساختمانی را به دنبال خود آورد.

نگاهی کوتاه به مبارزات یکساله کارگران بیکار

پس از قیام و روی کار آمدن دولت موقت از آنجا که این دولت خواهان قطع وابستگی از امپریالیسم و بیکارگیری توده ها در ساختن یک کشور مستقل و متکی بخود نبود بیکاری سیر روز - افزونیتری یافت. فشارهای ناشی از بیکاری از - طرفی و بوجود آمدن شرایط نسی دمکراتیک در اثر رشد و اعتلای جنبش توده ها از سوی دیگر منجر به شکل گیری جنبش کارگران بیکار گردید. نخستین دستاورد این جنبش در اختیار گرفتن خانه کارگر به عنوان محلی برای تجمع و تشکیل کارگران - اهمیت چشمگیری برخوردار است. اگرچه گرفتن خانه کارگر در شرایط پس از قیام به نحو نسبتاً ساده ای انجام یافت ولی سیر حوادث پس از آن و یورشهای بیابایی ارتجاع برای به - تصرف درآوردن آن نشان داد که رژیم تازه حد - از تجمع و تشکیل کارگران و حش دار و برای جلو - گیری از آگاهی کارگران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. تحن کارگران در وزارت کار در روزهای پایانی سال ۵۷ و نخستین روزهای سال جدید اولین حرکت متشکل و اعتراضی کارگران بیکار - تهران در جهت کسب حقوقشان بود. اگرچه این تحن با پرداخت ۱۰۰۰ تومان به کارگران و دادن وعده و وعیدهایی که هیچگاه عملی نشد به پایان رسید ولی کارگران در طول مدت تحن و برخوردهایی که با فروهر و معاونان او داشتند تا حدود زیادی به ماهیت واقعی آنها و نقش حقیقی وزارت سرمایه پی بردند. این مبارزات با رفتن کارگران و در برخی موارد نمایندگان - به وزارت کار و تجمع در خانه کارگرو راهپیمایی و فرستادن نماینده نزد آیت الله طالقانی ادامه یافت و با تحن کارگران در وزارت دادگستری و وادار کردن رژیم به ضبط کتبتهای نمایندگان کارگران در تلویزیون به صورت دیگری دنبال گشت. در آن هنگام ما شاهد اوج مبارزات کارگران بیکار در همه شهرستانها و همزمان با تهران - می باشیم. تظاهرات کارگران بیکار در اصفهان



بیکاری لغت آشنای کارگران است بقول معروف بیکاری شتری است که بردخانه هر کارگری می خوابد. از آنجا که در نظام های سرمایه داری کارگران هیچگونه تضمینی برای ادامه کارشان ندارند و با لطمه سرمایه داران نیز تمهیدی در قبال کارگران به گردن ندارند، از آنجا که در این جوامع تنها قانون کسب حداکثر سود و ارزش اضافی بر روابط میان کارگران و سرمایه داران حکم فرماست همواره خیل عظیمی از کارگران مبتلا به بیکاری می باشند. رشد تکنیک و جایگزینی ماشین در انجام کارهای نیروی انسانی، استفاده از نیروی عظیم زنان و کودکان خردسال در تولید و هرج و مرج تولید و وجود بحران های سرمایه داری از جمله عوامل این بیکاری ها بشمار می آیند.

در کشورهای وابسته نظیر کشور ما که تارویو - دشت با هزاران بنده انحصارات امپریالیستی گره خورده است بدیهی است که با هر بحران امپریالیستی و انتقال ناگزیرش به این - کشورها بیکاری اولین خطری است که کارگران را تهدید می کند. همچنین سرمایه وابسته با ورود به دهات و اضمحلال خودکفائی کشاورزی منجر به خانه خرابی و رانده شدن دهقانان به شهرها می گردد. از میان این روستائیان کنده شده از زمین تنها برخی جز بکارخانه ها شده و بقیه در زمایشگر عظیم بیکاران محسوب می گردند.

رشد بیکاری که در چند ساله اخیر در ایران روبه افزایش گذاشته بود در جریان انقلاب و پس از قیام به میزان سرسام آوری رسید. فرار سرمایه داران وابسته در جریان انقلاب، عدم امکان امپریالیستی برای سرمایه گذاری مجدد به دلیل بحرانهای موجود در کشورهای امپریالیستی و همچنین غیرقابل اطمینان بودن سرمایه گذاری ها که منجر به تعطیل بسیاری از کارخانه ها گشت باعث شده توده های وسیعی از کارگران به صفوف بیکاران بپیوندند. همچنین از آنجا که در دوران رژیم شاه خائن بورس بازی و خرید



برخیزد رژیم جمهوری اسلامی به مبارزات کارگران بیکار

آنها با گفتن "حرف بی است، عمل کنید، زن و بچه گرسنه حرف سرش نمی شه"، "وعده و وعیدتون نمیشه" و... نشان دادند که میان سخنان پررنگ و لعاب مسئولین با عمل واقعی آنها فرسنگها فاصله وجود دارد.

کارگران به دادن شعار به پرچم بازگشتن، کارگران بیکار برخیزد انقلاب - بازگشتن، همراه دارد دست است بر سر انقلاب

بخوبی پرده از چهره بازگان این لیبرال مرتجع شده و سایر عوامل فربانی که کوشش می کنند به منصوب کردن کارگران بیکار به آمریکا و اسرائیل به خفه کردن مبارزات آنان بپیرا زد و اذهان توده ها را نسبت به ماهیت واقعی مبارزه آنها که مبارزه بر علیه سرمایه داری وابسته است مشوش گردانند در دیدن کارگران با طرح خواسته



مبارزات یکساله کارگران درنگا داشتن خانه کارگرنیز حاوی نکات آموزنده ای است. ارتجاع که از تجمع و تشکل کارگران شدیداً هراس دارد و چندین بار خانه کارگران را بوسیله مزدوران - چماق بدست وقعه کشان از دست کارگران بیرون آورد ولی آنها به نیروی اتحاد خود و با تحمل آزار و شکنجه های فراوان هر بار را رتجاع را وادار به عقب نشینی نمودند.

اشکال مبارزاتی کارگران

کارگران بیکار در طی یکسال مبارزات خود ارشیو های گوناگون مبارزه از فرستادن نمایندگان به وزارت کار و مذاکره با وزیر کار و معاون او - فتنه تاراهیمایی و تحمیل و اعتصاب غذا استفاده کردند. آنها همچنین از طریق روزنامه ها (البته تا حدودی که رژیم اجازه درج اخبار مربوط به آنها را می داد) و بیکار نیز از طریق تئوریون با تح فشار قرار دادن رژیم اخبار مبارزات خود و درخواست هایشان را به گوش توده ها رسانیدند. کارگران در پیرامون مبارزاتیشان آموختند که استفاده از شیوه های مذاکره و چانه زدن با مقامات دردی از آنها را نخواهد کرد. آنها تجربه کردند که در مواردی که رژیم وادار به عقب نشینی شد و پذیرفت که امتیازاتی به آنها بدهد، به دلیل بیکاری شیوه های دیگر

مورد از طریق تحمیل و نظا هرات و... بود. در جریان این مبارزات دودیدگاه چپ و راست در برخورد به چگونگی بیکاربرد شیوه های مبارزاتی کارگران تجلی یافت. یکی آن دیدگاه است که عمداً از طریق رویزونیستهای خاش فرموله و بیکار گرفته می شد که تحت پوشش عدم تضعیف دولت انقلابی (!!) از کارگران می خواست که تنها به مذاکره با رژیم پرداخته و به اصطلاح از طریق رساندن دردهایشان به گوش مقامات از آنها چاره جویی کنند و دیدگاه چپ دیگر که نتیجه گیری مبارزات کارگران بیکار را نه در رابطه با مبارزات سراسری طبقه کارگر و در طی یک پروسه بلکه آنی و لحظه ای می بیند. چنین بینش آنها ریشستی خواهان تحمیل های طولانی و دراز مدت با وجود تعدا دانندگی از کارگران بیکار شرکت کننده در نظا هرات بوده و خواهان بهره گیری از اشکال تروریستی نظیر گروگان گیری کارمندان وزارت خانه و... می باشد. اعمال هواداران گروه "اشرف دهقانی" در یکی از آخرین نظا هرات کارگران در وزارت کار چنین شیوه ای را آشکارا نشان می دهد. همچنین تجربه نشان داده است که تازمانی که کارگران بیکار را هیما نشان از خانه کارگر شروع و به وزارت کار ختم کرد، همچنان محدودیاتی مانده و از توده ای - تدن آن جلوگیری می گردد. کارگران برای جلب رفقای بیکارشان باید تجمعات خود را در قهوه خانه ها و میدان ها و مراکز تجمع توده های کارگری بیکار در جنوب شهر برگزار کرده و با رفتن به میان آنها و توضیح لزوم تشکل در بدست آوردن خواسته ها - نشان آنها را با خود همراه نمایند.

شعارها و اهداف مبارزه

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، شعارهای کارگران در جریان راهپیمایی ها، نظا هرات و... نشان دهنده شناخت آنها از ماهیت فربیکارانه و غلبه زانه رژیم بود

هیئت حاکمه همچنانکه جز آن نیز انتظار نمی توان داشت و از ماهیت ضد خلقی آن ناشی می گردد، نشان داده است که نه می خواهد دونه می تواند ندکسه به خواسته های آنها پاسخ گوید. از آنجا که رژیم خواهان قطع نفوذ امپریالیسم نمی باشد اما خواهان بیکارگیری این نیروی عظیم درجهت بازسازی یک اقتصاد مستقل نبوده و قادر به بسیج توده ها در این جهت نمی باشد. اگرچه رژیم تحت فشار کارگران به دادن امتیازاتی تن داد ولی تجربه نشان داده است که همواره کوشیده تا با استفاده از کوچکترین فرصتی تمامی این امتیازات را با پس گیرد. هیئت حاکمه برای جلوگیری از مبارزات کارگران از کلیه شیوه ها از تطمیع و دادن رفم های جزئی به منظور تفرقه در صفوف آنها گرفته تا سرکوب علنی و آشکار استفاده کرده است. رویزونیستهای خاش توده ای و سه جهانی نیز در این رابطه علناً به همدستی با رژیم پرداخته و وزارت کار نیز به رسمیت شناختن سندیکا های خود ساخته آنها و چه از طریق بندوبست های آشکار یا آنان از وجود این خاشین به طبقه کارگر سود جسته است. نمونه این عمل در اختیار گذاردن وام ۷۵۰ تومانی به رویزونیستها بود، در زمانی که کارگران خواهان عدم قبول این وام بودند.

نتیجه گیری و...

از آنجا که علل اجتماعی - اقتصادی بیکاری توده ها بحران سیستم سرمایه داری وابسته بوده و با وجود این سیستم این بحران ادامه خواهد یافت مبارزات توده ها و کارگران نیز اجتناب پذیر خواهد بود. مطلبی که توجه به آن اهمیت فراوان دارد لزوم همراهی و پشتیبانی کارگران شاغل از کارگران بیکار می باشد. کارگران بیکار باید به کارخانه ها رفته و به دیگر رفقای کارگران نشان توضیح دهند که تا زمانی که این سیستم با برجاست بیکاری خطری است که زندگی هر کدام از آنها را در هر لحظه تهدید می نماید. آنها باید بکوشند تا حمایت کارگران شاغل را از مبارزات خود بدست آورند. همچنین جمع بندی این مبارزات به نشان می دهد که تازمانی که کارگران بیکار نتوانند از طریق بوجود آمدن یک تشکیلات سراسری که قادر به جذب همه کارگران بیکار گردد مبارزات خود را توده ای و یکپارچه نمایند نمی توانند به کسب امتیازات چشمگیری از رژیم بدست یابند. همچنین این مبارزات به ما می آموزد که تنها راه رهائی واقعی کارگران از بیکاری و معاش آن اتحاد کل طبقه کارگر با دیگر اقشار و طبقات شرکت کننده در این مرحله انقلاب به منظور نابودی سیستم سرمایه داری وابسته می باشد و آزادی واقعی آنها در گرو اتحاد با دهقانان و کارگران و سراسر طبقه کارگر است. کارگران بیکار برای جمهوری دمکراتیک خلق

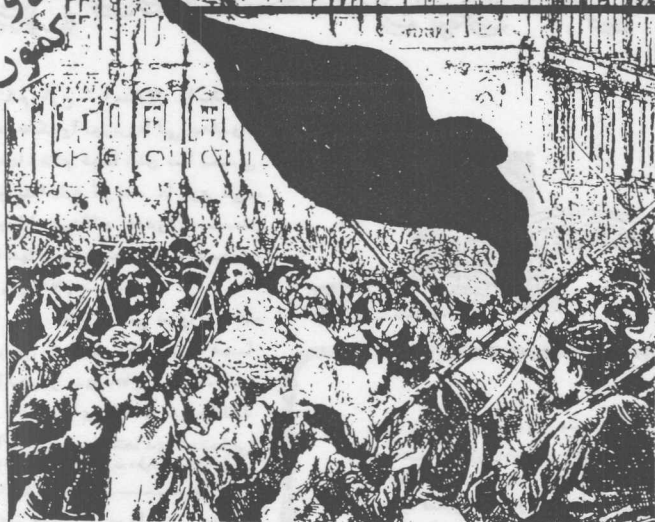
ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی و شعارهای نظیر "صانع وابسته بدست زحمتکشان ملی باید گردد" ... بخوبی تلفیق مبارزه اقتصادی خود را با مبارزه ضد امپریالیستی نشان دادند. شعارها و خواسته های کارگران بخوبی نشان می داد که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه بر علیه سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست. در این رابطه نیز دودیدگاه انحرافی پروزیان یکمی بنیش اکونومیستی که می کوشد تنها خواسته های کارگران را به کسب حقوق صنفی معطوف ساخته و آنها را از مبارزات سیاسی توده ها بدورنگا دارد و دیگری درک دنباله روانه ای که با عنوان کردن مبارزه ضد امپریالیستی بدون مبارزه با پایگاه داخلی آن عملاً کارگران را به زیر چتر طبقات و قشار غیر پرولتری و حتی ضد انقلابی (در این مقطع) کشانده و خواهان مبارزه ضد امپریالیستی بگونه ای دن کیشوت وارمی باشد، نظریات رفقای فدائی پس از اشغال سفارت آمریکا که خواهان کشاندن کارگران به جلوی سفارت و حمایت بخشی از هیئت حاکمه بودند چنین بینش را بخوبی نشان می دهد.

ابتدا طرح نامبرده یکسری کلیات و هدفهای
 را بطور مجرد و از اوضاع جامعه و نظام حاکم مطروح
 می سازد و ادعا می کند که سیاست دانشگاه میبایست
 در جهت تحقق آنها طرح ریزی گردد اما بر سر
 مواد این طرح در مجموع چیزی نیست جز همان افعال
 حاکمیت ارگانهای اجرائی رژیم برداشته و هما



کمون پاریس: پیروزی طبقه کارگر و شکست بورژوازی

گواهی باد
صد و نهمین سالگرد
کمون پاریس!



لزوم درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری طبقه کارگر با
اتکا به ارتش مسلح کارگران و دهقانان، مهمترین پیام کارگران قهرمان کمون پاریس
خطاب به پرولتاریای جهانی بود.

" تنگ نظران آلمانی (تنگ نظران سوسیال-
ل دمکرات) بازخیرا " از شنیدن کلمه
دیکتاتوری پرولتاریا سخت به وحشت
افتاده اند.
بسیار خوب آقایان! می خواهید بدانید
این دیکتاتوری به چه می ماند؟
کمون پاریس نگاه کنید. این دیکتاتوری
پرولتاریا بود " (انگلس)

صد و نه سال پیش طبقه کارگر پاریس پرچم
سرخ و پیروزمند کمون را برافراشت. این درفش
سرخ در خون کارگران و زحمتکشان پاریس غرق شد،
بورژوازی ارتجاعی پاریس و بورژوازی آلمان -
متحد شدند و با وحشیانه ترین کشتارها مقاومت
قهرمانانه پرولتاریای پاریس را خنثی کردند
و نشان دادند که " حکومت های همه ملت ها،
علیه پرولتاریا متحدند ". بورژوازی جهان علیه
طبقه کارگر متحد است. طبقه کارگر نشان داد
که پیگیرترین مبارز بر علیه استثمار و استثمار
بورژوازی و دشمن خونی سرمایه داران مرتجع
است.

کمون پاریس چه پدیده ای بود؟ این اولین
حکومت کارگری جهان چه درس هایی به ما آموخت؟
کمون پاریس در زمانی موجودیت یافت که فرانسه
پس از ۱۷۸۹، به چنان حدی از رشد اقتصادی و سوا-
سی دست یافته بود که هرا انقلابی در آن رخ می داد،
مطمئناً " خصلت پرولتاریائی می داشت. علاوه بر
آن انترناسیونال اول، سازمان بین المللی
کارگران وجود داشت که هفت سال فعالیت آن، -
نفوذ مارکسیسم بر جنبش کارگری را بشدت گسترش
بخشیده بود. گرچه این انترناسیونال رهبری
کمون پاریس را درست نداشت اما در سهای کمون
تجربیات آن را غنابخشید و گنجینه مارکسیسم
را تکامل داد.

کمون پاریس در میان آشوب جنگ میان فرانسه
و آلمان تشکیل شد. جنگی که در تحلیل نهائی
محصول نظام استثمارگر فرانسه، بنا پارتنی و -
حکومتهای اروپائی پشتیبان آن بود و ما هیتسی
ارتجاعی داشت. طرف مقابل جنگ حکومت ارتجاعی
بیسمارک قرار داشت که سیاست محافل حاکمه پروس
را به پیش می برد که خود دینا بر ما هیت طبقائی
آنان جنگ طلبانه بود و در ادامه همین سیاست
بود که جنگ تدافعی آلمان به یک جنگ اشغالگرانه
از ناحیه آلمان تبدیل شد. روشن است که این
جنگ از هر دو سو بر علیه منافع طبقه کارگر و زحمتکشا
صورت می گرفت و تجلی تمام پلایات شوینیستی
بورژوازی بود.

مارکس و انگلس این واقعیات را بدرستی بیان
می کردند و اعلام می نمودند که طبقه کارگر
و زحمتکشان نمی باید در این جنگها گوشه قدم توپ
بورژوازی شوند. از سوی دیگر آنان را اجتناب ناپذیر
بودن تشدید مبارزه طبقائی در فرانسه و امکان
قیام انقلابی توده ها را پیش بینی می کردند
و این امکان به واقعیت بدل شد. حکومت فرانسه
که در جنگ شکست خورده بود، ملج تحمیلی
بیسمارک را پذیرفت. فرانسه تسلیم شد، اما طبقه
کارگر و زحمتکشان پاریس مسلح شده بودند و شجاعانه
می جنگیدند. بدستور بیسمارک مجلس ملی در فرانسه

کمون پاریس با تصمیماتی که اتخاذ کرد و با
اقداماتی که در طول عمر کوتاه و سرخ خویش انجام
داد. خصلت قاطع پرولتاریائی را آشکار کرد.

کمون چه کرد؟

افرادی که کمون را متشکل می کردند، مشاوران
انجمن شهر بودند که از راه آراء عمومی در محلات
مختلف انتخاب شده بودند و دارای مسئولیت و در هر
لحظه قابل تعویض بودند.
اکثریت اعضای کمون را طبقه کارگران و نمایندگان
معروف طبقه کارگر تشکیل می دادند.
کمون پارلمان تاریسم فاسد و گندیده بورژوازی را
نا بود کرد و ارگان حکومت زحمتکشان را بنا

ارگانی که نمایندگان مردم در آن، خود
قوانینی را که وضع می کردند اجرا می کردند و بطور
مستقیم در برابر انتخاب کنندگان مسئول بودند.
کمون هم قوه قضائیه و هم قوه مجریه بود.
ارگان مسئول و عمل کننده بود و با قاطعیت
بزرده کارگری، عمل کرد.

ارتش سنتی را منحل کرد و پرولتاریا، زحمتکشان
مسلح را جانشین آن نمود. ارتش خلق تشکیل شد.
بوروکراسی را نابود نمود. حقوق تمامی اعضا
و کارمندان کمون مساوی شد. مزایای معمولی
نمایندگان مقامات عالی رتبه دولتی، همراه با
خود این مقامات حذف شد.

نقش های سیاسی و اختیارات از عهده دولت بعنوان
یک ارگان جدا از مردم و " ماورای مردم " بدر
آمد و بدست کمون سپرده شد. تمام موااسات
آموزشی مجانا " بروی خلق باز شد. و راه اعمال
نفوذ کلیسایین زاندارمی که بصورت کشیش در -
آمده بودند گریخت. کلیسا از دولت تفکیک شد. کار
شبان " شاگردان نوا ها لغو گردید. جرایم پولی
بقیه در صفحه ۱۸

تشکیل شد. و حکومت " دفاع ملی " به ریاست
تیرس خون آشام، لحظه ای در تبدیل شدن به
حکومت " خیانت ملی " درنگ نکرد و اولین وظیفه
خود را سرکوب و خلع سلاح کارگران مسلح پاریس
قرار داد. با این ترتیب پس از آن خیانت خصلت
طبقائی جنبش پاریس، که تا آن لحظه تحت
الشعاع مبارزه " ملی " قرار گرفته بود،
بطور واضح آشکار گردید. تضادها میان دولت ورسای
که تقریباً " فقط عبارت از بورژواها بود و پرولتا-
ریای مسلح ظاهر گردید. جنگ " ملی " به جنگ
طبقائی تبدیل شد. اوضاع اقتصادی فرانسه سخت
درهم بود. جنگ تمامی منابع ملی را بیرحمانه
نابود کرده و هزینه زندگی را بشدت بالا برده
بود. بحران اقتصادی بیدامی کرد. دولت
پروس غرامت هنگفتی می خواست. چه کسی
می بایست این غرامت را بپردازد؟ مسلمانان
کارگران و زحمتکشان. و حکومت ورسای برای
پرداخت صورت حساب، آستینها را باز کرد. به
جنگ کمون رفت. به زحمتکشان اعلان نبرد داد.
بورژوازی چهره کریه خود را عریان ساخت. بیسما-
رک و تیرس، دولت ورسای و دولت پروس، با هم
اتحادی نامقدس بستند. بیسمارک برای از بین
بردن کمون پاریس، ارتش سیرینا پارت را مرخص
کرد و ارتش امپراتوری ویلهلم هم مستقیماً به این
امر کمک نمود. و " افسانه جنگ ملی " رسوا
شد. روشن شد که جنگ ملی ساخته دست بورژوازی
است تا جنگ طبقائی را به عقب بیاورد و آنگاه
که جنگ طبقائی آغاز شد، دولتهائی که نغمه " جنگ
ملی " را ساز کرده اند و برای " وطن " دل می-
سوزانند، با هم دست دوستی می دهند. چرا که
تسلط طبقائی شان در خطر است.

از این رو چهره بورژوازی آشکار و آشکار شد
و از آن سو طبقه کارگر، چهره واقعی خود را -
برای اولین بار در تاریخ موضوع نمود.

سفارت جمهوری اسلامی یا اداره پلیس فاشیست فرانسه؟!

بار دیگر چهره کریه ارتجاع از پرده بیرون افتاد .

امروز چهارشنبه ۵ مارس برابر با ۱۵ اسفند ما دانشجویان ایرانی - بمنظور محکم نمودن عملکرد های سفارت ایران در فرانسه و " دعوت " سفیر ایران از پلیس فاشیست فرانسه جهت سرکوب دانشجویان در دوشنبه گذشته ، واعلام خواستهای خود دایر بر تشکیل شورای منتخب دانشجویان جهت انجام و نظارت در امر دانشجویی به کنسولگری ایران در پاریس مراجعه نمودیم .

در بدو ورود کنسولگری ایران که میباید به امر دانشجویان رسیدگی کند با بستن درب کنسولگری و سفارت مانع از ورود دانشجویان و سایر مراجعین به آنجا شد که با پافشاری و همبستگی دانشجویان مجبور به گشودن آن گردیدند ولی پس از مدتی بار دیگر نمایندگان جمهوری اسلامی همچون سایر سردمداران دؤتی که جهت سرکوب توده ها بسیج شده اند متوسل به پلیس فاشیست فرانسه گردیده و اینبار نیز با سلب مصونیت سفارت جهت سرکوب دانشجویان آنان را به داخل سفارت فرستادند .

گارد های سرکوب فرانسه با توسل به زور ما را از سفارت بیرون ریخته و در این میان دو تن از دانشجویان مبارز ایرانی را که همیشه همدوش سایر دانشجویان در مبارزات ، افشاگری ها و تظاهرات ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان ایرانی خارج از کشور شرکت داشتند را دستگیر و زندانی نموده است و عددهای دیگر را زخمی که یکی از آنان دچار صدمه از ناحیه قفسه سینه گردیده و هم اکنون در بیمارستان بستریست .

آری ! این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب توده ها از هیچ کوششی فروگذار نمیکند (حتی از توسل به پلیس فاشیست فرانسه امپریالیستی) ولی هیچ گاه نخواهند توانست جنبش انقلابی خلقهای ایران را سرکوب نمایند .

ما با همبستگی هر چه بیشتر خود برای احقاق خواستهای برحقمان بمثابه بخش کوچکی از جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران هیچگاه از پای نخواهیم نشست . لذا خواستهای خود را در این مرحله بدین شرح بار دیگر اعلام مینمایم :

- ۱- دولت جمهوری اسلامی موظف است این عملکرد های ضد خلقی نمایندگان خود را توضیح دهد
- ۲- آزادی و اعاده حیثیت از دانشجویان مبارز دستگیر شده .
- ۳- تشکیل شورای منتخب دانشجویان جهت انجام وظایف و نظارت بر امر دانشجویی .

هرچه گسترده تر باد مبارزات خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم !

هرچه پرتوان تر باد همبستگی دانشجویان مبارز و ضد امپریالیست !

پیش به سوی تشکیل شورا های دانشجویی !

دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۵۸

۵ مارس ۱۹۸۰

انجمنهای اسلامی دانشجویان ، مثل همه ، موارد مشابه ، با انتشار بیانیه های ارتجاعی در اینجا و آنجا ، به تاء بیدسیاستهای ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا پرداختند .

همانگونه که در آغاز گفتیم ، برخورد هزیب از نیروهای دانشجویی به این رویداد ، مواضع و بینش آنان را بیشتر و بیشتر روشن می کند . اما علیرغم اخلا و کار شکنی های رویزیونیستها و مترجمین ، علیرغم کامل نبودن وحدت نیروهای انقلابی و مترقی دانشجویی در این زمینه که می توانست بر اساس مواضع کلی آنان و توافق مشترک آنان در زمینه ، ضد خلقی بودن این جنایت آشکار ، در چهارچوب منظمی ، صورت پذیرد . آری ، علیرغم تمامی این مثال ، دانشگاه در برخورد به این جنایت ضد خلقی رژیم خروشید ، فریاد زد و افشا کرد .

برخورد نیروهای دانشجویی به مسئله سرکوب ...

دادگاههای ضد انقلابی رژیم بجرم دفاع از منافع خلق محکوم شده و بشهادت رسیدند ، اعتراض کرده بودند و این عمل را خارج از محدوده ، منقوسی ! فعالیتهای دانشجویی ارزیابی نمودند .

بنابراین طبیعی است که تحریم کلاسها و اعتراض به جنایات ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا هم در چنین محدوده ای نمی گنجد ، عملکرد دانشجویان با اصطلاح دمکرات در درون جنبش دانشجویی ، به مثابه ، سدی در مقابل حرکت های پیشرو و مترقی دانشجویی است . منفرد نمودن آنان در درون - دانشجویان وظیفه ، تمامی نیروهای مترقی دانشجویی ، بویژه کمونیستها و کامی درجهت ارتقاء ، دمکراتیسم جنبش دانشجویان انقلابی است ، دانشجویان رویزیونیست به جهانی هم

بارومدیکار دانشجویان با اصطلاح دمکرات در زمینه خلل در حرکات مترقی دانشجویان هستند .

البته به علت نیروی ناچیزی که در دانشگاه دارند ، میدان عملشان گسترده نیست روش است که

مرکز پیاده شیراز :

کشتار خلق ترکمن و عکس العمل دانشجویان وظیفه

بدن حال ترور فوجیه جهاز زن از رهبران خلقی ترکمن و رسوایان چهره ، کریه هیئت حاکمه مردم میهن ما به همراهی ساینیروهای انقلابی دسبه امتای این اعمال ضد خلقی زندانزاین رو در صبح روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۶ عده زیادی از دانشجویان و طیفه مرکز پیاده شیراز برای اعتراض به سرکوب خلق ترکمن توسط هیئت حاکمه و ترور فاشیستی ۴ تن از رزمندگان خلق ترکمن دست به یک راهپیمائی در محوطه پادگان زندنیس از مرازم صبحگاه در حالیکه دانشجویان وظیفه تصمیم داشتند نظرات خود را برپا کنند ، سرگرد رستمی فرمانده گردان دانشجویان برای جلوگیری از این حرکت انقلابی از طرف فرماندهان خود ما ، موریت دانش با سرکرم کردن دانشجویان به هرنحوی که شده جلوی این کار را بگیرد ولی دانشجویان با غریب و بیاد های " کشتار رهبران ترکمن ، توطئه آمریکا ، توطئه ارتجاع " به اوجال صحبت راندا ده و از سالن سخنرانی خارج شدند و در محوطه پادگان راهپیمائی باشکوه خود را شروع کردند . تعداد راهپیمایان در حدود ۱۵ نفر بود آنها با گذشتن از مقابل گروه ها ما هیت ضد خلقی رژیم و جنایات وی را افشا کردند بعضی از شعارها از این قرار بود :

" ارتز و پاسداران ، با چیفتن و خمپاره ، گنبد و ترکمن رابه خاک و خون کشیدند " ، " فاشیستهای جیره خوار ، اعمالتان محکوم است " ، " پرسنل مبارز بیدار است ، از وابسته بزار است " ، " ساواک ، سیا ، مرتجعین - سه دشمن مبارزین " " شهید در راه خلق - تو ماچ و یاران اوست " ، " کشتار رهبران ترکمن - توطئه آمریکا و ارتجاع " " جنایت گردستان در ترکمن تکرار شد " ، " ای شهید ای ترکمن ، قسم بخون پاکتان که می رویم به زاهدان ، خلق دلیر ایران می گوییم " استقامتان " ، " ترکمن ، ترکمن شورا حق مسلم توست " ، " پاسدار ، مرتجع قاتل فرزند توست " آنها پس از پایان راهپیمائی در میدان صبحگاه قطعنامه خود را خواندند که در آن ضمن اشاره به جنایات رژیم در گردستان و ترکمن صحرا سرکوب و قتل ناخوانمردانه رهبران ستاد خلق ترکمن توسط عوامل امپریالیسم محکوم شده بود ، پس از خواندن قطعنامه جمعیت سرود " خلق ترکمن " را دسبه جمعی خواند و سپس پراکنده شدند .

رژیم پس از دست زدن به سرکوب خلق ترکمن ، در گردستان نیز در صدد جنگ افروزی است . سیاستهای جنگ افروزان رژیم را علیه منافع خنقهای دلاور ایران و کارگران و زحمتکشان ، افشا کنیم .

از جمله رزوع شوده جزوه (اتحاد ، مبارزه پیروزی)

آرشیو اسناد

دانشجویان بینکام در رابطه با اعمال
حاشیه‌های مدخلی رژیم در ترکیب محروا و اعتراض
به کنار نشدن از رهبران ستاد (مهرنگی - ساسی)
طبق ترکیب، دسته تحریم کلاسها
برسد. آنجا که دانشجویان بینکام در نوشته‌های
خود و در عمل سروهای مختلف دانشجویی را در -
مقاطع مشخصی (مطوّران است که به اصول نظم
بود) حواسپرتی انداخته و راکامی در جنبش
آنها، دمکراسی جنبش‌ها را برپا می‌کنند.
دانشجویان انقلابی برآورد کرده اند*. طبیعی
است با احکام احکام مواضعی در زمینه

نقد فیلم

نگاهی به فیلم «نسل اژدها»

وسینماگران بورژوازی، به انقلاب خلقها چگونه می نگرند؟

مسئول حزبی از درک این مسئله عاجز که دهقانان وابسته زمین، به آسانی حاضر به ترک زمین نیستند و برای چاره کار حکم می کند که "پیر پاتال ها" باید اقدام شوند!! - ممکن است این شبهه پیش آید که کارگردان میخواسته یک فرد آوارشیست را هم در فیلم نشان دهد حال آنکه دیگر اعضای حزب نیز دچار ایده آلایسم و - رمانتیسیم بوده و تنها از چیزی که خبری نیست از عنصر واقعاً "آگاه پرولتری" است.

دیده میشود آنجا که باید تفهیم صبورانه تاکتیک حزب به توده ها کار ساز باشد، کار توضیحی با آه و ناله رمانتیک زن جوان در برابر پیر مرد که به نوعی باعث درماندگی و خضوع وی می شود، به آتش زدن خرمن توسط او و به طور خود بخودی توسط زحمتکشان دیگری انجامد. سازنده فیلم شایدانه نقش کارگران مهاجر را به عنوان پیشاترک جبهه مقاومت مسکوت می گذارد و این عناصر آگاه در موقع عبور از ده به هیچ وجه کار توضیحی انجام نمی دهند و اساساً طبقه کارگر پیشروترین طبقات و اقشار به طور مستقل دیده نمی شود.

به همسر و ولی آن بیثوان جزئی از ارتجاع برخورد نمی گردد و بدون هیچگونه کار توضیحی روی وی و بدون اینکه او به مثابه فردی که بر علیه انقلاب عمل می نموده اس از زیبایی شهود در صف خلق راه داده می شود و همه اینها بر مبنای عواطف خانوادگی است.

۵- در "نسل اژدها" فرمانده بزرگ (مائو تسه دون) چون عنصری افسانه ای در پشت کوه ها و بیشتر به مثابه یک منجمی اسطوره ای انسانها معرفی میشود. خیر! این طبقات استثمارگرند که همواره خواسته اند به حاکمان زمینی وجهه ملکوتی دهند تا در قالب توهم توده ها نسبت به این حکام به غارت دسترنجان بپردازند. رهبران پرولتاریا از جوشش توفنده مبارزه طبقاتی برمی خیزند سلاح بدست می گیرند و می جنگند و شهید میشوند. این گونه برخورد به رهبران جنبش انقلاب بی تراوش مغز علیل و محدود بورژوازی است که تنها چارچوب تنگ خویش را دیده و دست اجتماع و دینا میس درونی آنرا نمی فهمد و نمی خواهد بفهمد.

ما کلیه انحرافات فوق رانه در رابطه با حزب کمونیست چین به رهبری رفیق مائو تسه دون در هنگام جنگ مدزاینتی بلکه دقیقاً به خاطر دید سرمایه دارانه سازندگان فیلم می دانیم. اگرچه از دوستان "انجمن دانشجویان مسلمان" انتظار برخورد مارکسیستی به مسئله نیست. علیرغم توضیحات مختصر آنان دایر بر بعضی انحرافات فیلم که برای بینندگان داده شد. به نظر ما در شرایطی که فیلم های مناسب بسیار است. نمايش چنین فیلمهایی در اشاعه فرهنگ ارتجاعی بورژوازی موثر بوده از جانب نیروهای انقلابی گناهی نابخشودنی است، طبیعی است که ما چنین انتظاری را از رفقای پیشگام و دوستداران

بقیه در صفحه ۱۶

متضاد طبقاتی ارزیابی می کند. پس چگونه است که دویی آن دلشربه "رحم" می آید؟ آیا این حیل خلع سلاح خلق در برابر ضد خلق نیست؟ آیا این مفهوم بورژوازی "انسان دوستی" نیست؟ ۴- دیالکتیک مارکسیستی عشق و کینه رانه به شکل انتزاعی بلکه در ارتباط لاینفک دیده و این دو مقوله را هرگز جدا از هم ارزیابی نمی نماید. مارکسیستها (چه زن و چه مرد) علیرغم عشق عمیق خود به خلق سرشار از کینه طبقاتی نسبت به دشمنان خلقند. لذا نا بودی دشمن طبقاتی نه تنها باعث ندامت آنان نمی شود بلکه احساس ضعف و پیروزی کامل بردشمن را تقویت مینماید. چنین (قهرمان زن فیلم) بعد از کشته شدن ودلی آن - خاش احساس گناه می کند و اظهار می دارد که احساس زنانه اش را از دست داده است. چه عاملی اینچنین نقش شکنندگی و لطافت بزن میدهد؟! مگر زن جز در حیطه طبقات اجتماعی مطرح است؟ مگر آن دختر روستایی که از خون و زندگی خود مایه میگذارد و زحمت می کشد میتواند به استثمارگران خود کینه و خشم مقدس نداشته باشد؟ خیر! کینه مطلب در ابتذال فرهنگ بورژوازی حاکم بر فیلم نهفته است. از آغای فیلم ساز جوان هم انتظار نیست "از کوزه همان برون تراود که در اوست" ۴- "نسل اژدها" رابطه حزب و توده را بنایت انحرافی جلوه می دهد. حزب پرولتاریائی همواره روی توده های زحمتکش تاکید دارد حال آنکه در اینجا ابتکار عمل در دست عناصر مرفه ده سپرده میشود. این زحمتکشان هستند که **خلاقیت** و سازنده تاریخ اندنه ریش سفیدان، این حزب پرولتاریائی است که قادر است بار هنمودهای انقلابی خود توده ها را بسج کندنه مواظ کشیش مآبانه.

مارکس خاطر نشان می سازد که: "اندیشه انقلابی وقتی به درون توده ها برود به نیروی مادی" خواهد شد.

آری این درک منافع طبقاتی است که بعنوان شرط کافی برای ایجاد حرکت انقلابی عمل می کند. "نسل اژدها" با تحریف این اصل مسلم حرکت انقلابی توده ها را بر مبنای احساسات فردی و عواطف خانوادگی قرار می دهد.

دهقانان زحمتکشی که از هر طرف تحت استثمار امپریالیسم قرار دارند و بنا به خلعت طبقاتی شان دایر بر مالکیت قطعه ای کوچک از زمین که تمام آمال زندگی خود را در آن می بینند به سادگی حاضر به ترک و نابود کردن محصول کارشان نیستند.

درست هم اینجاست که نقش تاریخی عناصر آگاه در رابطه با توضیح بسیار دقیق و صبورانه برای متقاعد کردن این زحمتکشان به انجام تاکتیک صحیح حزب، که در ارتباط ارگانیک با توده ها مفهوم پیدا می کند از جانب فیلم ساز برده پوشی میشود و در عوض حرکت آوارشیستی و چپ روانی و بظا هر کمونیستی یکی از فرزندان لینکون بعنوان کار توضیحی و نمادینی گردید. وی بعنوان یک

هفته گذشته از سوی دوستان "انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد" فیلمی ارائه شد با نام "نسل اژدها". محتوی فیلم که راجع به جنگ آزادیبخش خلق چین بر علیه امپریالیسم ژاپن می باشد جای بحث فراوان دارد. لذا هر چند مختصر و ضروری بر آن ضروری است.

بورژوازی جهانی، در جدال خود علیه پرولتاریا و خلقهای تحت ستم تنها به سرکوب مستقیم بطارکانهای سرکوبگرانه اش، ارتش، پلیس و... قناعت نمیکند. بلکه همواره تلاش در اعمال نفوذ بر فرهنگ توده های تحت ستم و خالصی نمودن محتوای انقلابی مارکسیسم - لیننیسم، این یگانه سلاح رهایی بشریت از یوغ استثمار و بردگی مزدوری کرده و بدین ترتیب اصال انقلابی آنرا واژگونه جلوه گرمی سازد. بویژه که امروزه در اشرافیات و ارتداد احزاب کمونیست شوروی و - چین، این رسالت سنگین را اغلب خائنین رژیونیست و مرتد عهده دار شده اند.

"نسل اژدها" ساخته جین مورفین فرانسوی نمونه بارز لوث کردن مبارزات انقلابی توده های قهرمان خلق چین است که توسط بورژوازی جهانی انجام شده و متأسفانه توسط یکی از نیروهای انقلابی (انجمن دانشجویان مسلمان) در جهت اشاعه این ابتذال فرهنگی اقدام شده است. ما تلاش می کنیم با باز کردن چند مورد از انحرافات فیلم به این دوستان هشدار دهیم که در انتخاب فیلم دقت بیشتر مبذول دارند.

۱- "لینکون" قهرمان فیلم در موقع از دست دادن دونه اش، به جنگ در شکل عام لعنت می فرستد و همه مصیبت ها "بدبختی ها" را ناشی از جنگ میداند. چنین برخوردی به مسئله جنگ نادرست و انحرافی است. چرا که جنگ هم میتواند انقلابی و هم ضد انقلابی باشد. امپریالیستها برای تقسیم مجدد جهان و غارت هر چه بیشتر خلقها - جرم جنگ های امپریالیستی را آغاز می کنند و - لبقه کارگرو توده های ستمدیده باید که پاسخ بنین جنگی را با جنگ انقلابی و عادلانه بدهند. فیما ثوتیه دون می گوید:

"با انقلاب (جنگ داخلی) جلو جنگ (امپریالیستی را میگیرد و با جنگ خود به انقلاب می انجامد".

با این وصف نفی جنگ به طور کلی و بدون توجه به محتوی طبقاتی آن برخوردی متافیزیکستی است که از جانب بورژوازی و نوکران وی تبلیغ میشود.

- در سرتاسر "نسل اژدها" ارتجاع داخلی بورژوازی بزرگ و فئودالها به مثابه پایگاه امپریالیسم (ژاپن) که منافع تنگ تنگستی اهم دارند ارائه نمی شود بلکه "دولتی آنها" به شکل جاسوسی تجلی میکند که حتی در قبایل شمنان خود (انقلابیون) به خاطر رابطه های امیلی دچا عواطف می گردد. چنین برخوردی به خاص طبقات انسان را به یاد آثار رژیونیستی جوخرای "سینماگرووی" دایر بر اشتیاقات متخاصم می اندازد. شاه خاش بنا بر منافع بقای خود حتی از کشتن برادرش و خاتمی نمیگذرد تازه اینها همه در صف ضد خلقند چه رسد به اینکه شمنان طبقاتی باشند. فرهادپا شاه اشکانی مام خانواده خود را برای جلوس بر تخت سلطنت ی کشد و از این نمونه ها در تاریخ فراوان است.

مارکسیسم دشمنان طبقاتی رانه با بسط و در عطفی فی مابین بلکه بر مبنای منافع



بیکاری، لکه ننگی بر دامن رژیم سرمایه داری وابسته

رژیم جمهوری اسلامی در این یکساله گذشته بخوبی نشان داده است که گذشته از آنکه گامی در جهت تلخ زخمکشان مین بر نداشته است بلکه هر روزه بهانه ای دست به سرکوب آنها می زند، امروز چیزی که پایه های این رژیم را به لرزه درآورده است بحران اقتصادی می باشد که این رژیم قادر به حل آن نیست و مجبور است نمودهای آن را به هر شکلی که شده است سرکوب کند یکی از مشکلاتی که از فردای قیام تا به امروز گریبانگیر هیئت حاکمه بوده است مسئله بیکاری است و چنانکه بعد از گذشت یکسال هنوز هم زخمکشان مادر گوشه و کنار شهر اجتماع کرده و از بیکاری فریاد بر می آورند در روز سه شنبه گذشته (۱۴ اسفند) با زهم کارگران بیکار در میدان راه آهن تجمع کرده و دردی را که از اعماق وجودشان سرچشمه می گرفت برای دیگر زخمکشان بارگومیکردند چنانکه در ابتدای یکی از کارگران زخمکش از در بیکاری و فقر و فلاکت خود صحبت کرد و بعداً "افزافه کرد: "برادران زمانی که سماکس باید و غذائی برای خودشان نداشته باشند بفرستار هستی دافکران ؟ که جمعیت یک ملکوت : "تا این منت محکمی بود بر دهان آنایکه انقلاب را برای دین می دانستند . بعد کارگر دیگری شروع به صحبت کرد: "علت بیکاری وابستگی سیستم اقتصادی به آمریکا می باشد و دولت اگر از ما بپرسد چه کنیم اومی - بونیم که صنایع و کارخانه ها باید ملی شود و آن وقت ما حاضریم بجای یک شیفت چندین شیفت کار کنیم . امروز یکسال و چندی از قیام می گذرد و ما فقط از انقلاب بیکاری آن را دیدیم و امروز اگر شکل نداشته باشیم هیچ کاری را از پیش نمیبریم و امروز این عوامل آمریکا هستند که نمی خواهند ما متحد باشیم و با زهم اسیر یک مشت مفت خور باشیم . در این موقع شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" با صدای رسا و با مشت آهنین بلند شد . بعد کارگر دیگری شروع به صحبت کرد و در رابطه با ماهیت دولت دست به افشاگری زد و مطرح نمود که : "اینها (هیئت حاکمه) همه ما را آمریکائی میدانستند ولی بخوبی معلوم شد که آمریکائی کیست تا زمانی که دولت مال کارگرها نباشد تا زمانی که قانون بدست ما نباشد نشود چنان استثمار می شویم چون هر دولتی که بر روی کار بیاید حامی یک طبقه است و دولتی که در مجلس "خبرگانش" حتی یک نماینده واقعی کارگران نیست چگونه می تواند حامی منافع ما باشد در حالی که همین دولت به مجامع ماحمله میکند و از به رسمیت شناختن ما می هراسد." از این موقع بوسیله جمع باشعار "نان، مسکن، آزادی - شعار زخمکش" با شوری خاص تکرار شد.

بعد از صحبت های این کارگر، یکی از کارگران شافل چیت بازی ممتاز اعلام پشتیبانی کرد و مطرح کرد که در جوامع سرمایه داری بیکاری شتری است که جلوی در خانه هر کارگری می خوابد و شعار: "درد بر چیت ساز مبارز - اتحاد، اتحاد

روز چهارشنبه ۲۲ اسفند علی عدالت فام یکی از کاندیداهای مجلس شورای ملی و نماینده کارگران بیکار به نمایندگی از زخمکشان در دروازه غار گودر سولی سخنرانی داشت و این میتینگ انتخاباتی به منظور غنی تر کردن آگاهی توده ها و روشن شدن هدف کمونیستها از شرکت در مجلس شورای ملی بود. ابتدای یکی از زنان زخمکش گودر شروع به صحبت کرد و می گفت که شورش ۸ ماه بیکار است و از بیماری اعتیاد در رنج است به جاهای مختلف مراجعه کرده است مثل کمیته ها و قلم ... و چیزی عایدش نشده است و مبرترین مسئله اش بخاطر نزدیکی عیدداشتن پول مختصری می باشد و در ادامه صحبتهاش گفت که چون سرمداران این دولت سرمایه داران هستند بنا بر این دردمان نمی دانند بعد از صحبتهای این زن رنج دیده سرود کارگر بخش شد و مورد استقبال قرار گرفت و بعد عدالت فام شروع به صحبت کرد و در خصوص بیکاری مسائلی را مطرح کرد و گفت : اینها (هیئت حاکمه) هم می گویند صبر کن، صبر کن کارگری خواست صبر کند ولی وقتی میرفت به خانه و میدید که بچه ها شورش غذا ندارند لباس ندارند دیگر نمی توانست صبر کند. انقلاب کردیم ولی حالای شده ۱۵ ماهه بیکاریم همه چیز گرویده و با این بیکاری ما چه کنیم صبر انقلابی داشته باشیم : ۴ میلیون کارگر بیکار هر کدام با یک زن و بچه ۱۲ میلیون بیکاری یعنی ۱۲ میلیون گرسنه کسی که از "آب" و "اجداد" خان زاده باشد چه جوری دردمان را میفهمد بنا بر این از این دولت و این رژیم نباید انتظار داشت که باشیم که کار ما را بهبود بخشد زیرا این ها میوه چنان انقلاب هستند و هیچگاه در حرکت های مردم زخمکش نقش نداشته اند.

و بعد از فام بخوبی ماهیت هیئت حاکمه را به زخمکشان گودر نشان میداد و بخوبی یادآور شد که این رژیم قادر به حل مشکلات روز زخمکشان

استقبال زخمکش از نماینده واقعی خود :

خطاب یک زخمکش دلیر به علی عدالت فام : از هیچکس نترس ، هر چه می خواهی بگو ، چون دردتو ، درد همه ما ست !

نمیت و بعد در قسمتی از صحبت هایش بخوبی تضاد طبقاتی موجود را در جامعه مطرح کرد و با مثالی بخوبی این تضاد را برای زخمکشان بازگو کرد و رفیق عدالت فام مطرح کرد، دروازه غار با ۵ هزار نفر جمعیت چند تا بیمارستان دارد مطمئناً به ۵ تا هم نمی رسد ولی تجریش با ۱۱ هزار نفر جمعیت بیشتر از ۲۸ بیمارستان دارد و در این قسمت در مورد ماهیت مجلس صحبت کرد و می گفت این مجلس برای تثبیت قوانین سرمایه داری و حفظ و تحکیم وابستگی های آمریکا است ولی ما که برای تثبیت این قوانین به مجلس نمی رویم بلکه در مجلس آرام نخواهیم نشست و دست به افشای این مجلس و ماهیت آن می زنیم ما نقش فزولباشی زخمکشان را در میان سرمایه داران ایفا خواهیم کرد.

در این موقع صدائی همه را متوجه ساخته و تشنجی در جمع ایجاد شد که یکی از مردان زخمکش گود خطاب به عدالت فام گفت : از هیچ کس نترس هر چه می خواهی بگو چون دردتو درد همه ما ست که در این موقع جمعیت با دست زدن احاسات خود را نشان داد و همه یکمدا شعار درود بر کارگر را میدادند

عدالت فام در این قسمت از صحبتهاش بر نامه خود را که تاء مین رفاء و درمانگاه ، اتوبوس ، اسفالت و ... و دیگر وسایل اولیه زندگی مردم بود مطرح می کرد و مورد تشویق جمعیت قرار می گرفت که با دست زدن های پیاپی بر نامه های او را تائید می کرد

و در قسمت آخر رفیق عدالت فام گفت : "ما برای احقاق حقوقمان می جنگیم و حتی برای گرفتن آن کشته می شویم"

و بعد درستی به توده های زخمکش نشان داد که راه آنها انقلاب است نه پارلمانهای بورژوازی .

جنبش دانشجویی و: دیدگاه ارتجاعی و بورژوازی دانشجویان دموکرات

در سرائطی که حسن دمکراسک و مدامیریا - لسنی حلفای ایران اعتلا نویسی بافنده است در سرائطی که بحران سرمایه داری واسته سجادهای طبقاتی را آنجان حدت و سجدت بحسبه که بارندمارزه طبقاتی مرزبندی منافع طبقاتی هرچه بیشتر و بیشتر می گردد و هر لحظه از کثرت جنبش، بوده ه، تحریکات گرانقدری از ما هیات احزاب و سازمانهای و ... با رنکار، لیبرال، ریزوینیت و مرتجع بدست می آورند. در این شرایط وضعیت جنبش دانشجویی را نیز نمی توان جدا از وضعیت عمومی جامعه بررسی و تحلیل کرد چرا که انعکاس گروه هندیهای سیاسی جامعه و مرزبندی بین آنها را بوضوح مادرگروه هندیهای ایدئولوژیک سیاسی دانشجویان می بینیم بقول لنین:

"گروه هندیهای سیاسی میان دانشجویان چیزی نیست مگر انعکاسی از گروه هندیهای سیاسی درون جامعه بمانه یک کل، بارشمارزه، طبقاتی در جامعه مرزبندی این گروه هندیها را بصورت آشکار بیان می کند." (وظایف جوانان انقلابی)

بازیکفته لنین:

"وظیفه هر سوسیالیست است که در جهت مرزبندی دقیق و آگاهانه میان گروه های سیاسی نامتجانس بکوشد." (وظایف جوانان انقلابی)

در چنین وضعیتی که مبارزه طبقاتی اعتلا نویسی پیدا کرده طرح " اتحادیه سراسری دانشجویی " از طرف " امید " وابسته به سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات " وابسته به حزب بوده، خائن به سطح مبارزات سیاسی دانشجویان را به سطح مبارزه آکادمیک - کاندن یعنی مبارزه دانشجویان را در چارچوب تاوان محمود کردن و بانه عبارت دیگر خیال هیئت حاکمه را از جانب حاسترین بخش روشنفکران راحت کردن است. دانشجویان وابسته به حزب بوده می خواهند حریفی از سازمان مارسکارانه و جانب کارانه آنها در سطح جامعه راه دانشگاه ترگسری دهند. بطور حیرت آورده در سطح حبس بوده ای حاکمیتی و آستان سوسی ارنهت حاکمه راه حد افراط رسانده - است و برای سرکوب انقلاب ارجح کوسی درجهت باری کردن به هیئت حاکمه روگردان نیست او اعلان را تمام نده دایسه و مردم را در پیوب به نارسدگی می کند. دانشجویان " دمکرات " نمای وابسته به آن سرمی خواهند سطح مبارزه

جنبش دانشجویی را همانگونه که به کلام هیئت حاکمه خوش آید تا سطح ناچیز " اتحادیه سراسری دانشجویی " تنزل دهند. البته از این آقایان غیر از این هم انتظار نمی رود چرا که وقتی تحلیل این حزب از شرایط و موقعیت طبقاتی، بورژوازی و همچنین برنامه ها و سیاستهای آن درست در خدمت هیئت حاکمه و تثبیت هرچه " قانونی " کردن است و هرچه بیشتر سکردن تداوم انقلاب ولجن پراکنی در درون آن - است، برنامه ها و تحلیلهایی که با لطمه در قبال جنبش دانشجویی اتخاذ می کنند در خدمت هیئت حاکمه و حفظ سیستم موجود و بعنوان سدی در مقابل رشد جنبش دانشجویی خواهد بود. علاوه بر اینکه مادر اینجادی بورژوازی " دمکرات " تنها " رانسیته دانشجویان و جنبش دانشجویی و ارتباط آن با کل جنبش جامعه و حرکت آنرا نشان خواهیم داد طرح " اتحادیه سراسری دانشجویی " را در این شرایط به مثابه یک تزارتجاعی و عقب گرد به گذشته که جنبش دانشجویی را در چارچوب منافع تنگ آکادمیستی و لیبرالی محصور می کند و در نهایت در خدمت هیئت حاکمه خواهد بود رد خواهیم کرد.

۱- دیدگاه با اصطلاح دموکراتها به جنبش دانشجویی -

شی دیدار تجاعی و بورژوازی است. " دموکراتها " دانشجویان را مثلاً با اقرار و طبقات جامعه مانند کارگر، پیشه ور، معلم و یا مثل هر صنف دیگر ارزیابی می کنند و با لاجبار همان ترهات بورژوازی را که برای مهار زدن به مبارزات آنها عرضه می کنند به جنبش دانشجویی نیز ارائه می کنند و بدون اینکه ویژگیهای آن - را بطور مشخص روشن کنند شروع به نمودن " حقوق و منافع صنفی و سیاسی " آن می کنند.

" این سازمان (اتحادیه سراسری دانشجویی) صرف و توده، معینی از مردم - دانشجویان - را در خود منگنل می کند و ملاک اصلی آن - شکل، اشتراک دانشجویان در منافع صنفی - است. " (تاکید از ما است، امید شماره ۱۷)

و با درجای دیگر:

" اهرم رواس که افراد این - صرف طرار عباد سیاسی و ایدئولوژیک -

در اتحادیه گرد می آید، مشکل می باشد برای رسیدن به جوانهای حقه شان مبارزه کنند. از راه و میانی مبارزه و میانی مبارزه

گذراندن زندگی آموزشی خود را در درون - بتوانند محتوی آموزشی دروس دانشگاهی را عالی ببخشند، فعالیتهای فرهنگی و هنری دانشجویی را گسترش دهند. " (امید شماره ۷)

چنانچه پیداست بزعم اینان، بخاطر آنکه دانشجویان را در مورقاه و درمان ممکن که همه مربوط به امور آموزشی می شود و مشترک هستند یک قشر را تشکیل می دهند. (درباره فعالیتهای فرهنگی و هنری باید گفت، اینها را با - به حساب اینکه آقایان خواسته اند مقاله با مستدل باشد گذاشت و لاغیر، چرا که دقیقاً این فعالیتها ارتباط مستقیمی با کراشات ایدئولوژیک - سیاسی دانشجویان دارد و عموم دانشجویان در آن ذینفع نیستند. پس می توانند در شکل تشکیلات مشکل شوند و هم مبارزه صنفی و هم مبارزه سیاسی (لابد از نوع حزب توده ای آن - کنند.

اما در جواب باید گفت چون دانشجویان بصورت ثابت به دستگاه بوروکراسی حاکم وابسته اند و جایگاه آنها در جریان تولید اجتماعی مانده سایر روشنفکران (معلمین و غیره) تشبیه نشده، نمی توان آنرا به مثابه یک قشر به مفهوم طبقاتی آن ارزیابی کرد و به همین منظور و بسط شرایط مادی و زندگی آنها و سر و کار مداومشان با علم و فرهنگ عامل ذهنی تقسیم موثری در گروه هندیها و کراشات دانشجویان بازی می کند و عامل عینی به بخاطر فرسودن که توده آنها هم ردیف با فشار دیگر مردم قرار می دهند بلکه خاستگاه طبقاتی آنهاست که عمدها " وابسته به خرده بورژوازی و - وابسته به بورژوازی لیبرال و بورژوازی و - بسند اندوختنی بر ما رسانده بلند کارگر در دانشگاه که این توده خود را افکار و ممالا - ب دانشجویان منعکس می بود. لنین میگوید:

۱ در جواب: (اراها)

" این درست است که همان بطور بورژوازی - کراشات در سال ۱۸۴۸ می باشد که بلانی را که در جهت خط فاصل کشدن بین منافع بورژوازی و سروسا را را با محکوم " عمومی و حملاتی از قبیل " کوبه سطران حواها را حادش و - ناح محسبه. و این یکی بر اهرمان عباد آخرت نوع از بورژوازی -

طبقه کارگر

www.peykar.org



تهاست - اپورتونیستها و روبریونیستها - شبکه خواهان یک حزب وسیع و متحد - دموکراتیک و مبارزه از طریق مسالمت آمیز و فرم آشتی طبقاتی هستند.

اینان همواره از مخالفین "گروه بندی" تفرقه افکنانه و از میان جنبش "سیاسی عمومی" بوده و خواهند بود. (لنین و طایف جوانان انقلابی) (در جواب اسرارها که هرگونه تقسیم بندی دانشجویان را براساس منافع طبقات مختلف جامعه تفرقه افکنانه می گفتند.)

۲- "اتحادیه سراسری دانشجویی" حربه ای در دست روبریونیستها برای مهار کردن جنبش دانشجویی:

با این تحلیل که از دانشجویان و جنبش دانشجویی ارائه شد دیگر نمی توان مبارزه سیاسی دانشجویان را مجرد از مبارزه طبقاتی جامعه در نظر گرفت و چون در این شرایط کوه بمرت اجمالی به آن اشاره شد مبارزه سیاسی دانشجویان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است لذا اشکال سازماندهی آنها نیز تغییر اساسی خواهند کرد. شکل سازماندهی "اتحادیه سراسری دانشجویی" نمی تواند جوابگوی مبارزات دانشجویان کمونیست، دانشجویان دموکرات - واقعی شود و امولا" در این شرایط از پیشبرد مبارزه سیاسی واقعی عاجز است. و در واقع اطلاق مبارزه سیاسی به "اتحادیه سراسری دانشجویی" حرف مفت و پوچی بیش نخواهد بود که دموکرات نماها برای خالی نبودن عریضه طرح کرده اند این موضوع را سعی میکنیم در زیر سترنگافیم.

"مسئله مورد بحث فعالیت سیاسی است و این مسئله بنا بر خلطش ارتباط ناگستنی با مبارزه احزاب داشته و بطور احتساب ناپذیری انتخاب یک حزب معین و مشخص را در بر میگیرد. (و طایف جوانان انقلابی)

وقتی لنین به مراجع اعلام می کند که مبارزه سیاسی دانشجویان ارتباط لاینفکی با مبارزه طبقاتی جامعه و همچنین مبارزه احزاب مختلف دارد، اینان منکران واقعیت می شوند و اینرا انحراف جنبش دانشجویی از روند کلی و عینی - جامعه خلقی می کنند.

"جنبش دانشجویی - و بطریق اولی اتحادیه دانشجویی (!) می تواند بدینشماره های خود را -

با شمارهای صنفی و سیاسی سایر قشرها و گروههای پیشرو جامعه بویژه زحمتکشان هم آهنگ و همراه کند ولی دانشجویان نمی توانند دنیا بد، جنبش و سازمان خود را از جنبش عمومی جامعه و سازمانهای دیگر نمایند. تاثیر خارجی چنین عملی چیزی نیست جز جدا شدن و منحرف شدن جنبش دانشجویی از روند کلی و عینی جامعه و در داخل نیز موجب پس زدن توده دانشجویی و بی اولی اتحادیه دانشجویی می شود." (امید شماره ۷)

پس معلوم شد که حضرات نمی توانند گروه بندی بیهای سیاسی دانشجویان را بپذیرند و این طبعی است چرا که اصولا" تحلیل طبقاتی جامعه و مرز بندی بین خواستهای طبقات و اقشار مختلف در انقلاب سیاستهای خائنه ایشبان را برهم خواهد زد و در اینجا نیز مثل همیشه جنبش دانشجویی را براحتی ماستمالی کرده و عاری از هرگونه تحلیل طبقاتی دست پختشان را در خدمت هیئت حاکمه گذاشته اند بزعم آقایان مثلا" هر دانشجویانی پیدا شوند مثلا" خواستهای حداقل طبقه کارگر و سایر اقشار خلقی را در انقلاب دمکراتیک در دانشگاهها تبلیغ و ترویج کنند یعنی وظایف سوسیال دمکراتیک را از دید منافع طبقه کارگر در میان دانشجویان انجام داده و مبارزات دانشجویی را ارتقاء دهند و یا هرگاه دانشجویانی پیدا شود که مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقها را در دانشگاهها منعکس کنند و توده های دانشجویان را به هر ستم امپریالیسم و ارتجاع آشنا سازند به معنی جایگزینی جنبش عمومی جامعه (سازمان) نهی دیگر به جای به اصطلاح جنبش خود یعنی "اتحادیه سراسری دانشجویی" است که جنبش دانشجویی و بطریق اولی "اتحادیه سراسری" را منحرف می کند! باید از دموکرات نماها پرسید مبارزه سیاسی از نظر شما یعنی چه؟ جواب خواهند داد:

"مبارزه اتحادیه دانشجویی برای امور صنفی مثلا" برای متوقف کردن شهریه، یا ملی و غیر وابسته نمودن محتوی آموزش و زدودن محتوی درس از فرهنگ استعماری که همگی مبارزات صرفا" صنفی بنظر می رسد (!) در آخرین تحلیل تمام سیاست مالی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دولت را مطرح می سازد" (همانجا)

عجب! این هم معنی مبارزه سیاسی! بزعم آقایان چون مبارزات صنفی به سیاست دولت رابطه دارد پس مبارزه صنفی - سیاسی نیز است کمی نیست بپرسد که پس چرا امش را -

گذاشته اند مبارزه صنفی؟

می بینیم که برداشت مصلحتی اینان از مبارزه سیاسی دانشجویی در حقیقت مبارزه سیاسی واقعی نیست بلکه همان مبارزه صنفی است و تنها آن مبارزه ای را سیاسی می دانند که به خواستهای صنفی مربوط باشد و لا غیر! یعنی همان اکونومیسم تمام عیار. بگذارید یکبار دیگر لنین جوابتان را بدد!

"سوالی که باید مطرح گردد اینست که نقش مشخص سیاسی دانشجویان چیست؟ آیا قادر بر درک این مطلب نیستید که ابتدائوری است که شما کاملا" چشمهایتان را بر روی این حقیقت که دانشجویان از طبقه جامعه جدا نیستند - نتیجتا" همواره و بطور احتساب ناپذیری تبلور دهنده گروه بندیهای سیاسی جامعه می باشند، به بنده دید و سپس با چنین چشمهای بسته درباره چنین دانشجویانی و با دانشجویان بمثابه یک کل به وراجی بپردازید؟ نتیجه حاصله از این آن است...

زبان تقسیم شدن و جدائی در ارتباط با یک حزب سیاسی مشخص.

مانند روز روشن است که بحث کننده برای دستیابی به این نتایج عجیب و غریب، مجبور بوده که سطح سیاسی خود را به سطح آموزشی یا حرفه ای تنزل دهد. "رولوترسینا یا روس" در مقاله "دانشجویان و انقلاب" درست یک چنین پرسشی را انجام می دهد. این مقاله در ابتدا درباره منافع عمومی دانشجویان و مبارزه عمومی آنها داد سخن داده و سپس به بحث درباره اهداف تحصیلی دانشجویان و اینکه دانشجویان باید برای فعالیت های آینده اجتماعی خود آماده سازند و تعلیم دهند و بدین صورت به مبارزینی که از لحاظ سیاسی آگاهند تبدیل کردند، میبودارد...

این نکات هر دو منطقی بنظر می آیند - ولی هیچگونه ربطی به مسئله مربوطه نداشته و تنها کاریکه می کنند مسئله مورد بحث را کج تر می نماید. مسئله مورد بحث فعالیت سیاسی است، و این مسئله بنا بر خلطش ارتباط ناگستنی با مبارزه احزاب داشته و بطور احتساب ناپذیری انتخاب یک حزب معین و مشخص را در بر می گیرد. (لنین و طایف جوانان انقلابی)

حال که روشن شد مضمون فعالیت و برنامه این "اتحادیه" دقیقا" جنبه آکادمیک سی دارد، مطرح شدن آن را با توجه به شرایط کنونی تجزیه و تحلیل می کنیم ما فکر می کنیم مشکل سازماندهی توده های دانشجویان مسائل آکادمیک و علم تابت در این شرایط انقلابی

برخورد انحصار طلبانه افق‌های شورای کوهنوردان تهران

در حقیقت تحلیل چریک‌های فذائی خلق از قیام تا به امروز بود، آغاز گردید.

پیام گروه فلزکار مکانیک که در آن نیز در سال‌ها چریک‌های ... مشهود بود با دسیاهل نیز شد چون ۲ تن از شهدای سیاهل عضو آن گروه بوده‌اند (صادق نژاد، انفرادی).

پیام دانشکده علم و صنعت نیز پربودا فذائشی و چریک‌ستاره زیر صفائی فرا هائی عضو آن گروه بود.

مراسم با نمایش فیلمی خاتمه یافت و ما بالاخره متوجه شدیم که چرا به ما اجازه ندادند پیامان را که هیچ محتوای سیاسی نداشت و ضمناً "عکس‌های مارانی (هادی فرج‌داد پز شک، رضا تفکری ...) به دیوار زده بودند، بخوانیم زیرا این اولین بار نیست که هر کجا رفقای افذائی هستند برخورد سکتاریستی و انحصار طلبانه نیز هست.

این گزارش توسط یکی از اعضای هیأت مدیره سازمان بهار آزادی (۱۶ آذر) به آژانس اطلاع‌رسانی کارگرم به دست ما رسیده است.

روزه شنبه ۵۸/۱۱/۳۰ مراسمی جهت گرامی داشت شهدان کوهنوردان آزادی و سالگرد تپام ۲۲ بهمن، توسط شورای کوهنوردان تهران در محل شورا (ضلع جنوبی امجدیه) ترتیب یافته بود.

قبل از شروع مراسم اعلام شد هر گروه سازمانی که پیام دارد به هیئت برگزارکننده مراسم بدهد، ما نیز تحت عنوان کوهنوردان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیام کوتاهی که شامل: پشتیبانی از شورا، نام بردن از شهدان بخش منشعب که کوهنورد نیز بوده‌اند، بادی از همه شهدان راه آزادی، آرزوی پیوستنیت برای شورا، دادیم.

هیئت برگزارکننده بدون توجه به محتوای آن فقط به اسم پیام دهنده اشاره می‌کنند و می‌گویند ما کارمان منفی است نه سیاسی، بحث در می‌گیریم و ما با برخورد غیر اصولی و خصمانه روبرو می‌شویم در نهایت پیام ما مورد قبول قرار نمی‌گیرد.

مراسم با پیام شورای کوهنوردان تهران که

مجمع نمایندگان دبیر هیأت عالی کامیوتر و انجمن‌های انحصار طلبان انجمن اسلامی!

عکس سابق نمی‌تواند مجمع نمایندگان را در اختیار بخیرد به کارشکنی و به تعویق انداختن، انتخابات مجمع نمایندگان پرداخت و طرح اقلیت و اکثریت را مطرح کرد که با واکنش شدید دانشجویان انقلابی مواجه شد که البته با زهم دانشجویان "دمکرات" همکار نزدیک انجمن اسلامی بودند در اثر واکنش دانشجویان انقلابی انجمن اسلامی را وادار به عقب‌نشینی نمود و سبب شد که طرح درصدی انجمن دانشجویان مسلمان که مورد حمایت پیشکام و دانشجویان هوادار سازمان پیکار قرار گرفته بود به تصویب نرسد.

بعد از انتخابات نمایندگان با ترکیب زیر به انجمن نمایندگان راه یافتند: ۳ انجمن اسلامی ۲ پیشکام (که با هوادار پیکار ائتلاف کرده بودند).

ولی با روشن شدن دست انجمن اسلامی و در پی بهانه جوشیهای آنها خواهان این شدند که از ۷ نماینده ۴ نماینده متعلق به انجمن اسلامی باشد ولی چون مورد موافقت نیروهای انقلاب بی قرار نگرفته سبب شده است که انجمن اسلامی با انجمن نمایندگان حاضر به همکاری نشود.

بدنبال سایر سیاستهای انحصار طلبانه انجمن اسلامی در دانشگاهها نمود با زاین انحصار طلبیها را در انتخابات مجمع نمایندگان بحوبی دیده شده است چنانکه در شرم گذشته این انجمن نما یندگان دانشجویان توسط انجمن اسلامی قبضه شده بود و با پذیرفته شدن طرح غیر درمدی باعث شد که اکثریت نماینده ها از این انجمن باشند و برای اهداف انحصار طلبانه آنها باشد. این کمیته عملاً "توجیه کننده و عامل اجرائیسی سیاستهای رژیم در مدرسه شده بود و همکار نزدیک آنها طبق معمول دانشجویان رویزیونیست "دمکرات" بوده اند.

از کارهای انقلابی این انجمن در شرم گذشته:

- ۱- تقسیم کمک هزینه به همان معیار قبلی شرط معدل.
 - ۲- فشار بر روی فعالیتهای منفی.
 - ۳- معرفی نکردن ساواکیهای مدرسه.
 - ۴- ادامه همان سیستم آموزشی سابق تحت اسمهای جدید.
 - ۵- حذف ترم تابستان.
- در ترم جدید انجمن اسلامی که می‌دانست

جنبش دانشجویی ...

به تنها روحیه انقلابی و مبارزاتی دانشجویان به انحطاط خواهد کشاند، بلکه سدی خواهد بود در مقابل روند روجه تکامل جنبش دانشجویی.

جنبش دانشجویی با توجه به تمام ویژهگیهای فاشی که از آنها نام بردیم اشکال سازماندهی بناسی یا در نظر گرفتن شرایط، اولاً بر طبق منافع طبقه کارگر لزوم ایجاد تشکلهای م - ل دانشجویی را می‌طلبد و در ثانی با اتکا به این تشکلهای و انجام هر چه بیشتر آنها باید برای گسترش دامنه مبارزاتی دانشجویان در جهت ایجاد تشکلات دمکراتیک ضد امپریالیست در برگیرنده کلیه دانشجویان ضد امپریالیست باشد گام برداشت.

"ممکن است شرایط پیش آید که یک جنبش آکادمیکی سطح یک جنبش سیاسی را پایین آورده - انرا پراکنده کند و با از آن منحرف شود، در یک چنین شرایطی گروههای دانشجویی سوسیال دمکراتیک باید تمام تهیج خود را بر ضد جنبش جنبش متمرکز کنند." (لنین جنبش دانشجویی و اوضاع سیاسی کنونی)

لنین علاوه بر اینکه سوسیال دمکراتها را دعوت به مبارزه علیه جنبش آکادمیکی در شرایطی که وجود آن، مبارزه سیاسی دانشجویان را به انحراف می‌کشاند، می‌کند همچنین شرایطی را که مبارزه آکادمیکی می‌تواند با آن انطباق داشته باشد مشخص می‌کند.

"این جنبش (آکادمیکی) در صورت

هر زمانی آغاز می‌شود که ما فاقد مبارزه -

توده ای می‌باشیم یعنی زمانیکه

سکون و آرامش در جامعه شروع شده

و توده های عظیم خلق هنوز خاموش

، با حواسی جمع و آهسته به تجزیه و تحلیل

تجارب سه ساله انقلاب ادامه می‌دهند"

(جنبش دانشجویی و اوضاع سیاسی

کنونی - لنین)

رویزیونیستها برای اینکه طرح "اتحادیه

سراسری دانشجویی" را به مورد اجرا گذارند

باید انقلاب و جوش مجدد خلقهای ایران را منفی

کنند. باید بدید توده ها و دانشجویان نشان

دهند که انقلاب تمام شده و زندگی را باید شروع

کرد. و اینجا است که فرباد خلقهای دلاور و عزم

را سخ آنها مشت محکمی بر دهان این سوا و

سرایان خواهد کوبید.

رویزیونیستها را افشا و طرد کنیم

انتخابات مجلس شورای ملی در چه شرایطی برگزار شد؟



رژیم "جمهوری اسلامی" در شرایطی حاکمیت مدخلی و ارتجاعی خود را از آخرین چهارچوب "قانون" می گذارند که حتی اعتماد عقب مانده تریبون بوده هارانی از خود سلب کرده است. توده ها بدرستی در زندگی روزمره درک کرده اند این رژیم هیچ کدام از خواسته های شان را برآورده نکرده و این را نیز فهمیده اند که وعده وعیدها بوجوهی همراه با شعارهای دهن بکر "جامعه عدل اسلامی" برای آنها نادرست خواهد شد.

"املا" وضع ما هیچ تغییری نکرده است و اگر اوضاع همچنان پادشاهی می توانیم تحمل کنیم و مردم همان کارشکنی که در مورد رژیم شاه انجام دادند خواهند کرد." (سخنان یک کارگر در انتخابات مجلس شورا)

آری. اگر وضع همین منوال بگذرد "جمهوری اسلامی" سردربرچرخ مبارزه طبقاتی سرنوشتی غمناک خواهد داشت و این راهیست حاکم "جمهوری اسلامی" هم بهتری دانند برای همین سخنوار است که وعده دموکراسی و انتخابات "آزاد" می دهد با زان کمال نوده هارامتوم ساخته و ما به مدخلی خود را تحت پوشش باصطلاح دموکراسی و انتخابات "آزاد" مجلس شورای ملی بیوشاند و بعد با حیاتی تنگین خود اضا ف کند. انتخابات مجلس شورای ملی با ردیکرما هیت "دموکراسی" جورروانی و بنا بر شکل اسلامیش را بر ملا ساخت. و با آن داد که حری جز دیکتاتوری بورژوازی بر علیه کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری بر علیه نمایندگان سیاسی کارگران و زحمتکشان که به قصد انضای همین موضوع در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می کنند نیست. رژیم جمهوری اسلامی از همان اول با هزاران خدعه و نیرنگ و بنیادی از "طرح سطح ای" و "سیسی" طرح دوم مرحله ای "گرفته باولتیه" لغو انتخابات در بعضی از شهرهای کردستان و سمنانی و لجن پراکنی بر علیه کمونیست و نیروهای انقلابی به منظور انحصار کردن مجلس در خدمت "حزب فراگیرنده جمهوری اسلامی" و اعوان و انصار و همچنین توطئه محاکمه "محمد تقی بهرام" و... دیکتاتوری بورژوازی و ما هیت ضد انقلابی خود را نشان داد. و بخصوص زمانیکه این توطئه با با طرح "ائتلاف بزرگ" (بخوان توطئه بزرگ) و تبلیغات بی امان بر علیه انقلابیون درست بکرو زمانه به انتخابات از رادو و تلو بیوزیون، و همچنین فتوای خمینی مبنی بر انتخاب کاندیداهائی که "قانون اساسی" را قبول داشته باشند در آمیخت دو مسئله اساسی یکی اوج وحشت هیئت حاکمه از ورود انقلابیون و کمونیست ها به مجلس دیگری وحدت تمام جناحهای هیئت حاکمه را در مقابل انقلاب و سرکوب آن را عیان کرد. رژیم همچنین نمی توانست در جنگی انجام انتخابات بی تفاوت بماند به همین دلیل در روز انتخابات نیز ما شاهد توطئه ها و تقلبهای وسیعی که بوسیله ایادی آن در حوزة های مختلف صورت می گرفت بودیم ما شاهد بودیم که چگونه از نا آگاهای و بیسوادی توده ها سوء استفاده می کردند

انتخابات و کردستان

در ۸/۱۲/۲۰ اعلام شد که انتخابات در حوزة سنج بعلت تارامی (۱) برگزار نخواهد شد. مردم قهره ن ما می دانند که این کار حیل کثیف دیگری است برای جلوگیری از ورود انقلابیون نمایندگان واقعی مردم زحمتکش و خلقهای دلاور ایران به مجلس شورا.

هیئت حاکمه خوب می دانند که در صورت برگزاری انتخابات در حوزة هائی چون سنج، انقلابیون با پشتیبانی خلق قهرمان کردیه مجلس راه می یابند. رژیم از وجود انقلابیون در مجلس شورا وحشت دارد، چون می دانند که کمونیست ها برای روی آب انداختن پته سیاستهای ضد خلقی رژیم در مجلس شورا، به مجلس می روند.

به همین دلیل هیئت حاکمه با نیرنگ و فریب سعی می کند کاری بکنند که ریش و قیچی در دست خودش

ولیت ۳۰ نفری "ائتلاف بزرگ" را در رای آنها جای می دادند. مثلاً در یکی از حوزة هائی (انتهای هاشمی) که "ائتلاف بزرگ" موفقیت نداشت آیدای رژیم با هزاران کلک خواستند انتخابات را مخدوش اعلام کنند و این را دقیقاً زمانی اعلام می کردند که جوانان انقلابی محل میج آنها را در حین تظلم بموقع می گرفتند. مادر چندین حوزة شاد بودیم که چگونه بیسواد ها را به "معتمد محل" آنها از نوع عبا و عمامه ایش معرفی می کردند تا بجای آنها رای مادر کنند. اینها هزاران و ا قعیت دیگر نمونه های بارزی هستند که ارتباط مستقیم حیات حاکمیت فعلی را با نا آگاه و متوهم نگه داشتن توده ها بوضوح بیان می کنند و بسیار توجه به این امر آگاهی سیاسی و طبقاتی دادن به توده ها و افشای طبقاتی حاکمیت فعلی، افشای طبقاتی نه فقط لیبرالها بلکه لیبرالسم، افشای طبقاتی نه فقط باز رگان، بلکه باز رگانها و... و نشان دادن حقانیت خود و بر نامه های خود به توده ها جز وظایف خطیر کمونیست ها می شود.

چرا در انتخابات شرکت کرده اید؟

کارگر: بخاطر اسلام که وضع ما هم خوب شود.

چه خواسته هائی دارید؟

کارگر: به ما کاردرستی بدهند، خانه بدهند، ما آگاهی نداریم بایستی ما را آگاه کنند.

به چه کسانی رای می دهید؟ به باز رگان و عذر ا طالبانی و دونفر دیگر.

چرا؟

کارگر: چون کسی دیگری را نمی شناسم!؟

(محبت های یک کارگر در جریان انتخابات مجلس شورای ملی)

و... آری تو هم توده ها اید که نیست. زحمتکشان از انقلاب از دولت مردانیت خود از مجلس شورا و... "تانی خراهند و مسکن" و "آزادی". آیا این همه ها در این اعران و اخبارش ما در خراشه بودیم این خراشه های اساسی توده ها را می دهند؟ هرگز! این است رمز فرو رفتن تو هم توده ها.

تقدیم...
مسلمان داشته باشیم ولی هرگز سخن ما با کهنه کارانی که همواره در ابتدال و بی فرهنگی تلاش کرده و مطرب ها دعوت می کنند و به شیوه های بورژوازی سالن را با بلیطهای ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ ریالی قسمت می کنند نمی باشد.

دانشجویان هوادار
"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"
مشهد

باشد، تا هر چه می تواند نفع سرمایه داران و بر ضد منافع زحمتکشان انجام دهد، عدم برگزاری انتخابات در سنج هم یکی از این نیرنگ ها است. توطئه های هیئت حاکمه را خنثی کنیم! دانشجویان و دانش آموزان هوادار "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

بیکاری، لکه تنگی...
عاز زندگی کنیم، علتش این است که زیر دست امپریالیسم آمریکا هستیم و زمانی که این وابستگی قطع نشود این بیکاری وجود دارد و آقای بنی صدر! تا زمانی که طبقه کارگر را پشت سر نداشته باشی امکان ندارد بپوشانی بر نامه خود را بپایه کنی زیرا این بر نامه خیالی شما تنها بوسیله بازوی کارگران و کشت دهقانان صورت می گیرد و بر نامه شما فقط یک شعار تو خالیست و... و شعارهای "کار بایدا بجا شه" وعده وعید و نون نمیشه"، "زن بچه گرسنه صبرش نمیشه" "دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه" بوسیله جمع تکرار شود و خواست کارگران مطرح شد: ۱- خواست کوتاه مدت پرداخت مبلغ ۵۰۰/۰ تومان به هریک از کارگران بیکار بعلت نزدیک شدن عید.

۲- ایجاد کار ب عنوان خواست دراز مدت بعد از مطرح شدن این خواست ها کارگران خواسته شد که متفرق شوند. جالب توجه اینجاست که این بار علاوه بر پاسداران سرمایه ما مورین شهر بانی یعنی همان گاردیهائی سابق نیز حضور داشته و بدقت اوضاع را زیر نظر داشتند. این تجمعات میر و دکه هر چه بیشتر ما هیت ضد خلقی رژیم را افشا کنند و نشان دهند که این رژیم هیچیک از خواسته های زحمتکشان و بخصوص بیکاری را گذشته از آنکه نمی خواهد بلکه نمیتواند حل کند زیرا بیکاری بیماری مزمن نظام سرمایه داری بوده و هیچ راه حلی غیر از دگرگونی این نظام بدست توانائی کارگران و زحمتکشان ندارد و رژیم جمهوری اسلامی که رفع بیکاری را در ادعا درونق کاذب اقتصاد که در شرایط حاضر احتیاج به شرایط "امن" برای استثمار روبهره کشی داشته و این خود نیز به تحمیل و متوهم ساختن کارگران و زحمتکشان از یکطرف و سرکوب و ترور زدن کردن کارگران مبارز و آگاه از طرف دیگر دارد می بیند و بیش از پیش ما هیت دیکتاتوری خود را نشان می دهد و نباید هم انتظار علاج بحران بیکاری را داشت.

روسوی خلقت

ما شکاف خونین چشمها مان
روسوی شما می گیریم
ای پیکارگران آفتاب
ای سرزمین بازبرخاسته خونین
ای کردستان زخم
برزخم

ما
آری

از یاد دمی بریم
مفوف شتابناک مردانستان را
که گلوله های دشمن را تحقیر کردند در سخت ترین لحظه های مرگ و زندگی
و فاتحانه بازگشتند از دره های کوهسارانستان

ما

از یاد دمی بریم
روستا های سوخته تان را
که از میان شعله های آمد
از لهب تا تاران

ما از یاد دمی بریم
سرودهای پیشمرگان رنج را
برکولی تفنگ
برکولی دسته دسته گندم
تا از نبرد

به نبرد

دیگر

کوچ کنند.

ما شکاف خونین چشمها مان را
روسوی شما می گیریم

روسوی شما

که انقلاب را

بر فراز دستها تان

گرفتید و

هر صخره را

سنگر

نبرد کردید

و در میان سهمگین کشتار
سرما ی جهنمی یورش را
برگرد قلبهای شعله ورتان
درهم شکستید

برگرد قلبها

و در امتداد

شلیک آتشین گلوله ها

ما از یاد دمی بریم

شما

بر تمام جاده های بومی

پیش رفتید

تا لاشه های دشمن را

از خاک با رور بر ویسند

از سراسر سرزمین زخمی بومی

از پهنه های میهن دربند

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و پرده های سیاه وهم را

می دریم

و قبا های خرافات را

پس می زنیم
و نقاب های فریبناک را

با تبسم سرما به وستم

می شکافیم

تا از پس فوایل پوچ

به سوی شما بال بگشایم

شما که حتی

اینگ

در کوچه ها و خیابانهای منتظر

فریاد می زنید آزادی بزرگ خلقها را

و صحن مساجد را حتی

به صحنه نبرد دیگر

بدل می کنید

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و چشم بر می گیریم

از فریبها

هیا هوها

همه ها

از هر آنچه که

شنیده میشود

از فراز اریکه قدرت

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و می بینیم در لوله های ساکت تفنگها تان

قلب سرخ شما را

که همچنان

له له می زند

برای خواندن سرودهای رهایی

آری

ما اکنون

از دوردست سرزمین خروشان

آوازه ای تان را

بلند

نعره می کشیم

و با واژه های خشم

مشت می کوبیم

بر دیوارهای شیشه ای فریب

و بال می گشایم

بسی مفوف بر ملاستان

ای خلق پیکارجوی





۵ مارس (۱۴ اسفند)
بسیست و هفتمین سال درگذشت رفیق ثورق استالین
یکی از رهبران بزرگ پرولتاریا و وفادار به مارکسیسم -
لنینیسم و دیکتاتوری پرولتاریا است.
استالین در شرایطی چشم بر جهان پرست و پرولتاریا
جهان را ترک گفت که آنکی بد، دارد دسته مروتورونیز-
نیست خروشچین، با غصب رهبری حزب کمونیست شوروی
بزرگترین دسائورد طبقه کارگر روسیه شوروی یعنی دیکتاتور
پرولتاریا و حکومتشورها را به شرح به ضد خود یعنی به عکس
استفادگاران نوین بدل ساخته. یاد رفیق استالین را که
خروشچین و رهروانش حتی از باقی ماندن نام وی در زهد
پرولتاریای شوروی نیز وحشت داشتند، گریس می داریم.

۱۴ مارس
۲۳ اسفند
۱۴ مارس، سالروز درگذشت
کابل مارکس، بنیانگذار
سوسیالیسم علمی و معلم کبیر
پرولتاریا است. مارکسیسم بنیاد
مشعل فروزان راه رهایی پرولتاریا
بانام این مرد بزرگ تاریخ معین
شده است. پرولتاریای جهان
خاطر رهبران خود را هرگز فراموش
نخواهد کرد.



بیاد رفقای شهید اسفند ماه

ماه اسفند یکی از خورن ترین ماههای دوران خفقان محمدرضا -
شاهی است ماهی که در آن رفقای از همه و دلیلی که جان بر کف
در راه توده ها جنگیده اند و اگر چه راهشان منطبق بر قانوندهی عینی
مبازرات طبقاتی توده ها نبود اما خلق ها هرگز یاد آنها را فراموش -
نخواهند کرد. رفقای بخش منشعب از (س.خ.ا. ۱۰۲۰۴): رفیق حمید
بازرگان، رفیق مرتضی خاموش، رفیق احمد علی گوار، رفیق میرزا افشار
رفیق عبداله امینی و رفیق علی اکبر قاضی و تیر رفقای چریک فدائی.
خلق: رفیق مسعود احمدزاده، رفیق عباس محتاجی، رفیق حمید منشی
رفیق علی اکبر صفائی فراهانی، رفیق اسمعیل حسینی عراقی، رفیق محمد رحیم
سمائی، رفیق جلیل انفرادی، رفیق ناصر سید دلیلی فراهانی، رفیق
هوشنگ نیری، رفیق محمد علی کرش تندبی، رفیق اسکندر رحیمی، رفیق
غفور حسن پور، رفیق محمد مهدی اسحاقی، رفیق شجاع الدین مشیدی، رفیق
عباس دانش بزدی، رفیق محمد هادی خاضعی، رفیق احمد فرهردی، رفیق
هادی بنده خدا انگردی.

... و رزمندگان شهید دیگر دوران حکومت پهلوی چون سرگرد علی مجیدی و
روزنامه نگار شهید کریم نور شیرازی، جنگی شهبان چون قحطه خلق هتند
که در اسفند ماه سالهای دیکتاتوری جان خود را تقدیم خلق کردند. یادشان
گرمی باد.

یک گوشه از تقلب های آشکار حزب "فراگیر"
در انتخابات

در حوزه انتخاباتی شماره ۱۳۵۷ واقع
در انتهای خیابان سلیمانیه سابق که صندوق
انتخاباتی در مسجدی گذاشته شده بود در بین زنهای
راهی دهنده لیستهای از گروههای ائتلافی
و جناحهای مختلف از جناحی حزب جمهوری اسلامی
پخش می شد. من در بین مردها پخش چنین لیستهایی
ندیدم ولی لیستهای خوبی در دست زنان دیده شده
می شود برای اطمینان از یکی از آنها پرسیدم -
که خانوم لیست ها را از کجا آورده اند؟ اشاره کرد
و یکی از جوانهایی را نشان داد که لباس پاسداری -
به تن داشت و مسئول نظم حوزه بود!

مشاهده یک رفیق در روز انتخابات

کارگران برجای مانده بودند. که با شجاعت
شگرفی جانانه از حکومت خود دفاع می کردند. با
جنگ و دندان می جنگیدند. و بورژوازی تمام در -
ندگی خود را به نمایش گذاشت:
در خیابانهای خون کارگران، بهترین کارگران
، جاری شد. زنان کارگرو زحمکشافسانه وار -
جنگیدند. تا آخرین نفس. بیست هزار نفر در خیابان
بانهاکشته شدند. و بورژوازی از روی اجساد کارگران
پیروزی را تصاحب کرد. و وحشیگریهای خود را ادامه

کمون پاریس به زحمتکشان آموخت که:

طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی جز بر تشکیلات مستقل خود نمی تواند تکیه کند.

داد: سه هزار نفر در زندانها جان سپردند. دادگاه -
های زمان جنگ، ۱۳/۷۰۰ نفر را محکوم کردند. -
تبعیدها و زندانها آغاز شد. درفش سرخ پرولتاریا
در خون زحمتکشان غرق شود و فرو برد. اما کمون به
جنبش جهانی کارگران، درسها آموخت. کارگران -
ملح پاریس در مبارزه "قهرمانانه خویش، بسیار
چیزها به جنبش آموختند و از آن حمله اینکه:
بورژوازی در مقابل با طبقه کارگر از هیچ جناپتی
فروگذار نمی کند. ملیت، اخلاق و دین نمی شناسد.
در قلموس او جز سرمایه هیچ ارزشی معنادار دارد.
طبقه کارگر جز بر تشکیلات مستقل خود نمی تواند
تکیه کند و در مبارزه "بی امان طبقاتی پیروز
همی شود.

دولت بورژوازی را نمی توان تصرف نمود. بلکه
می باید آن را خرد کرد. و قدرت طبقه کارگر را دولتی
از نوع کمون را که در واقع دیگر دولت نیست تنها
نهاد. دموکراسی بورژوازی فاسد و پوسیده است
و باید نابود گردد.

دیکتاتوری طبقه کارگر برای سرکوب بورژوازی
و حفظ قدرت زحمتکشان ضرورت دارد.
آری. کمون پاریس، برای اولین بار شکل
حکومت آینده طبقه کارگر را روشن ساخت. قدرت
طبقه کارگر را آشکار ساخت. و فساد و گندیدگی
اجتناب ناپذیر بورژوازی را در مقطعی از رشد
خویش بوضوح نمایاند. و بهمین دلایل روشن:
برای بورژوازی یک شکست و برای پرولتاریا
یک پیروزی بود.

و سخن آخر اینکه، همچنانکه مارکس پی برده بود:
"لحظاتی در تاریخ وجود دارند که در آنها
مبارزه نومیادانه توده ها، حتی برای
موضوعی که ناسن موفقیتی هم نداشته
باید. لازم است تا موجب آموزش بیشتر این
توده ها و آمادگی بیشتر آنها برای مبارزات
آینده گردد." (لنین) "در باره نامه های
مارکس به گوگمان"

کمون... بقیه از صفحه ۱۰
الفاند. مال الاچاره ها از بین رفت. کارخانه -
هایی که به آنها رسیدگی نشده بودند را اختیار سازما -
نهای تعاونی کارگری قرار گرفت و خسارت آن پرد -
اخت شد. و تمامی این اقدامات را کمون پاریس
در طول عمر کوتاه خود انجام داد. قدرت دولتی
انگل را خرد و نابود کرد. و این در حالی بود که
کمونیستها این نمایندگان واقعی طبقه کارگر
بر آن رهبری نداشتند. بلکه اعضای کمون پاریس
رایک اکثریت بلانکیست و یک اقلیت عموما "مشکله

از عناصر پرودنیست تشکیل می داد. اما اقدامات
کمون درست نقطه مقابل پرودنیسم بود. مهم -
ترین نصیبت نام کمون مربوط به سازماندهی
صفت بزرگ بود. تشکیلاتی که درست در نقطه
مقابل آرمانهای پرودنیسم، این تجسم آرمانهای
دهقانان کوچک و بیست و ران بود و نیز کمون -
خلاف نظریه بلانکیستها، تشکیل یک فدراسیون
آزاد از کمونهای تمامی نواحی پاریس و یک سازمان
ملی دعوت می کرد.

آری، غریزه طبقه کارگر راه خود را میبمود
اما این رهبران، علیرغم تمام انقلابی
بودن و مهربانان خود را بر کمون کوبیدند. پرو -
لتاریا بدر نیمه راه ایستاد. به مقادیر کامل
اموال دست نزد. موسساتی از قبیل بانکها
را تصاحب نکرد. و قاطعیت خود را در سرکوب
دشمنان تازه آخر نرساند. در تکمیل پیروزی خود
در پاریس با حمله قاطعانه به ورسای تعلل
نمود و بدولت ورسای فرصت داد که نیرو جمع آوری -
کنند و به سرکوب کمون بپردازد. از همه مهمترین
کمون پاریس بر اساس شرایطی که در آن قرار
داشت می بایست استقرار دیکتاتوری دمکراتیک
کارگران و دهقانان را در دستور خود قرار می داد و نه
آنکه به تحقق دیکتاتوری سوسیالیستی بر می -
خاست. یعنی آنکه می بایست برنامه "حقاقل
را انجام دهد. و می بایست نمایندگان پرولتار -
یا سوسیالیست با خرد بورژوازی در یک حکومت
انقلابی شرکت کنند. و تمامی این شرایط و تمامی
این مسائل سبب شده کمون پیروزی قاطع را کسب
نکند: اتحاد بورژوازی خون خوار بر علیه پرولتار -
یا، رمیدن جمهوریخواهان بورژوا و خرده بورژواها
، که از خصلت انقلابی - سوسیالیستی پرولتاری
به وحشت افتاده بودند و زمانی که شکست محتوم
جنبش را دیدند خود را از آن کنار کشیدند و بورژوازی
فعی کمون که بجای شهاج قاطع در پیش گرفت
و بدینسان، هفته خونین آغاز شد، تنها